

# Analyzing the Impact of People's Perceptions of Political and Economic Inequalities on Ethnicism (Case Study: Sistani and Turkmen Ethnicity in the City of Gorgan)

1. Mohammadreza Eslami<sup>✉</sup>: PhD Student, Department of Sociology, SR.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran

2. Gholamreza Khoshfar\*<sup>✉</sup>: Associate Professor, Department of Sociology and Communication, Faculty of Humanities and Social Sciences, Golestan University, Gorgan, Iran

3. Ebrahim Mottaghi<sup>✉</sup>: Professor, Department of Political Science, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran

\*Corresponding Author's Email Address: Gh.khoshfar@gu.ac.ir

## Abstract:

The purpose of this study was to examine the impact of perceived political and economic inequalities on the level of ethnicism among Sistani and Turkmen residents of Gorgan. This survey-based study was conducted among Sistani and Turkmen adults residing in Gorgan. Using Cochran's formula, a sample of 400 participants was selected, including 200 Sistani and 200 Turkmen respondents. Data were collected through a structured questionnaire and analyzed using SPSS. A multistage cluster sampling strategy, supplemented by snowball sampling for parts of the Turkmen population, was employed. The results revealed a significant positive relationship between perceived economic inequality and ethnicism ( $r = 0.273$ ,  $p < .01$ ). A significant positive relationship was also found between perceived political inequality and ethnicism ( $r = 0.239$ ,  $p < .01$ ). Multiple regression analysis further demonstrated that perceptions of political and economic inequalities, together with selected media-consumption variables, explained approximately 13% of the variance in ethnicism. The findings suggest that perceptions of political and economic inequality contribute to the strengthening of ethnic orientations. As individuals perceive greater inequality and exclusion within society, their tendency toward ethnic identification and ethnic-based demands increases. Policies aimed at reducing inequality and enhancing political and social justice may therefore help strengthen social cohesion and reduce ethnic tensions.

**Keywords:** Ethnicity, Political Inequality, Economic Inequality, Sistani, Turkmen, Gorgan.

**How to Cite:** Eslami, M., Khoshfar, G., & Mottaghi, E. (2026). Analyzing the Impact of People's Perceptions of Political and Economic Inequalities on Ethnicism (Case Study: Sistani and Turkmen Ethnicity in the City of Gorgan). *Management, Education and Development in Digital Age*, 3(5), 1-21.



## تحلیل تأثیر پنداشت مردم از نابرابری‌های سیاسی و اقتصادی بر قوم‌گرایی (مورد مطالعه: قومیت سیستانی و ترکمن در شهر گرگان)

۱. محمدرضا اسلامی <sup>ID</sup>: دانشجوی دکتری، گروه جامعه‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲. غلامرضا خوشفر <sup>ID</sup>\*: دانشیار، گروه جامعه‌شناسی و ارتباطات، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه گلستان، گرگان، ایران

۳. ابراهیم متقی <sup>ID</sup>: استاد، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

\*پست الکترونیک نویسنده مسئول: Gh.khoshfar@gu.ac.ir

### چکیده

هدف این پژوهش تحلیل تأثیر پنداشت مردم از نابرابری‌های سیاسی و اقتصادی بر میزان قوم‌گرایی در میان قومیت‌های سیستانی و ترکمن ساکن شهر گرگان بود. این پژوهش با روش پیمایشی انجام شد. جامعه آماری شامل تمامی مردان و زنان سیستانی و ترکمن بالای ۱۸ سال ساکن شهر گرگان بود. حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران ۴۰۰ نفر (۲۰۰ سیستانی و ۲۰۰ ترکمن) تعیین شد. داده‌ها از طریق پرسشنامه جمع‌آوری و با استفاده از نرم‌افزار SPSS تحلیل شدند. نمونه‌گیری به صورت خوشه‌ای چندمرحله‌ای و در بخش‌هایی به صورت گلوله‌برفی انجام گرفت. نتایج نشان داد بین پنداشت از نابرابری اقتصادی و قوم‌گرایی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد ( $r=0.273$ ,  $p<0.001$ ). همچنین بین پنداشت از نابرابری سیاسی و قوم‌گرایی نیز رابطه مثبت و معنادار مشاهده شد ( $r=0.239$ ,  $p<0.001$ ). نتایج رگرسیون چندگانه نشان داد متغیرهای پنداشت از نابرابری‌های سیاسی و اقتصادی همراه با برخی متغیرهای رسانه‌ای، ۱۳ درصد از واریانس قوم‌گرایی را تبیین می‌کنند. یافته‌ها نشان می‌دهد ادراک نابرابری‌های سیاسی و اقتصادی می‌تواند زمینه تقویت گرایش‌های قوم‌گرایانه را فراهم سازد. هرچه افراد احساس تبعیض و نابرابری بیشتری داشته باشند، احتمال گرایش آنان به هویت و مطالبات قومی افزایش می‌یابد. از این رو، کاهش نابرابری‌ها و ارتقای عدالت اجتماعی و سیاسی می‌تواند در تقویت انسجام اجتماعی و کاهش تنش‌های قومی مؤثر باشد.

**کلیدواژه‌ها:** قوم‌گرایی، نابرابری سیاسی، نابرابری اقتصادی، سیستانی، ترکمن، گرگان.

**نحوه استناددهی:** اسلامی، محمدرضا، خوشفر، غلامرضا، متقی، ابراهیم. (۱۴۰۵). تحلیل تأثیر پنداشت مردم از نابرابری‌های سیاسی و اقتصادی بر قوم‌گرایی (مورد مطالعه: قومیت سیستانی و ترکمن در شهر گرگان). مدیریت، آموزش و توسعه در عصر دیجیتال، ۳(۵)، ۲۱-۱.



## مقدمه

قوم‌گرایی یکی از پدیده‌های پیچیده و چندبعدی در جوامع معاصر است که در پیوند با هویت جمعی، احساس تعلق، ادراک عدالت، تجربه محرومیت، دسترسی به منابع، و برداشت گروه‌های قومی از جایگاه خود در ساختار سیاسی و اقتصادی جامعه شکل می‌گیرد. در ساده‌ترین معنا، قوم‌گرایی به گرایشی اشاره دارد که در آن افراد، گروه قومی خود را چارچوب مهمی برای تعریف خویشتن، تفسیر روابط اجتماعی، ارزیابی عدالت و مقایسه با دیگر گروه‌ها قرار می‌دهند. این گرایش می‌تواند از حفظ زبان، سنت‌ها و آداب فرهنگی آغاز شود و در شرایط خاص، به مطالبه‌گری سیاسی، احساس طردشدگی، رقابت بین‌گروهی، یا حتی تعارض قومی منتهی گردد. در نظریه‌های کلاسیک قومیت، هویت قومی صرفاً امری فرهنگی و نمادین تلقی نمی‌شود، بلکه با تجربه تاریخی، خاطره جمعی، قلمرو، اسطوره نیاکانی، زبان، دین، و احساس منافع مشترک پیوند دارد؛ از این‌رو، قومیت در بسیاری از جوامع به یکی از محورهای مهم سازمان‌دهی اجتماعی و سیاسی تبدیل می‌شود (Smith, 2007). در ایران نیز به دلیل تنوع قومی، زبانی، مذهبی و منطقه‌ای، مطالعه قومیت و قوم‌گرایی هم از نظر نظری و هم از نظر سیاست‌گذاری اجتماعی اهمیت فراوانی دارد. بررسی‌های داخلی نشان داده‌اند که هویت قومی در ایران در کنار هویت ملی عمل می‌کند و بسته به شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ممکن است تقویت یا تضعیف شود (Fakouhi, 2006; Salehi Amiri, 2006).

یکی از مهم‌ترین زمینه‌های شکل‌گیری یا تشدید قوم‌گرایی، ادراک نابرابری است. مقصود از ادراک نابرابری، صرفاً وجود عینی تفاوت در درآمد، فرصت‌های شغلی، دسترسی به قدرت یا منزلت اجتماعی نیست؛ بلکه برداشت ذهنی افراد از ناعادلانه بودن این تفاوت‌ها نیز اهمیت دارد. ممکن است دو گروه در شرایط مشابهی از نظر اقتصادی یا سیاسی قرار داشته باشند، اما یکی از آنها به دلیل مقایسه خود با گروه‌های دیگر، تجربه تاریخی طرد، یا احساس محرومیت نسبی، وضعیت خود را نابرابرتر و تبعیض‌آمیزتر ادراک کند. نظریه محرومیت نسبی تأکید می‌کند که نارضایتی اجتماعی اغلب زمانی پدید می‌آید که افراد یا گروه‌ها موقعیت خود را با دیگران مقایسه کرده و احساس کنند به منابع، فرصت‌ها یا منزلتی که شایسته آن هستند، دست نیافته‌اند (Navah & Taghavi Nasab, 2007; Taghavi Nasab, 2007). در چنین شرایطی، هویت قومی می‌تواند به ظرفی برای بیان نارضایتی، بازتعریف خود جمعی و مطالبه عدالت تبدیل شود. مطالعات جدید نیز نشان داده‌اند که ادراک نابرابری اقتصادی می‌تواند رقابت بین‌گروهی، باورهای حاصل جمع صفر و پیش‌داوری ادراک‌شده میان گروه‌ها را افزایش دهد (Lisnek et al., 2024) و محرومیت اقتصادی در بسیاری از موقعیت‌ها با افزایش احتمال تعارض اجتماعی و خشونت جمعی ارتباط دارد (Wong, 2021).

ادراک نابرابری‌های اقتصادی از آن جهت برای مطالعه قوم‌گرایی اهمیت دارد که منابع اقتصادی، فرصت‌های شغلی، رفاه اجتماعی و امکان ارتقای طبقاتی به‌صورت برابر میان گروه‌های اجتماعی توزیع نمی‌شود. زمانی که اعضای یک گروه قومی احساس کنند در مقایسه با گروه‌های دیگر از دسترسی کمتری به منابع اقتصادی، مشاغل مطلوب، امکانات آموزشی، رفاه شهری یا حمایت‌های نهادی برخوردارند، تعلق قومی می‌تواند به شکل آگاهانه‌تری برجسته شود. پژوهش‌های جدید نشان داده‌اند که نابرابری اقتصادی در سازمان‌ها و جوامع، برداشت افراد از حضور و فرصت گروه‌های اقلیت را تحت تأثیر قرار می‌دهد و می‌تواند احساس حذف یا کم‌نمایی اجتماعی را تقویت کند (Moreno-Bella et al., 2022). همچنین، ادراک موقعیت اقتصادی ذهنی افراد اغلب در سطح محلی و در مقایسه با گروه‌های پیرامونی شکل می‌گیرد؛ یعنی مردم وضعیت خود را نه فقط در سطح ملی، بلکه در مقایسه با همسایگان، هم‌قوم‌ها و گروه‌های نزدیک ارزیابی می‌کنند (Theunissen, 2025). از این‌رو، در یک شهر چندقومیتی مانند گرگان، برداشت سیستمی‌ها و ترکمن‌ها از نابرابری اقتصادی می‌تواند بر میزان برجستگی هویت قومی و گرایش‌های قوم‌گرایانه آنان اثرگذار باشد.

نابرابری سیاسی نیز از دیگر عوامل تعیین‌کننده در شکل‌گیری قوم‌گرایی است. دسترسی نابرابر به قدرت، نمایندگی ناکافی در نهادهای تصمیم‌گیری، احساس بی‌صدایی سیاسی، محدودیت مشارکت، و تصور تبعیض در ساختارهای اداری و حکمرانی می‌تواند احساس محرومیت سیاسی را در میان گروه‌های قومی تقویت کند. در چنین وضعیتی، هویت قومی ممکن است به عنوان مبنایی برای بسیج اجتماعی و سیاسی عمل کند. مطالعات تطبیقی نشان داده‌اند که نابرابری قومی فراملی و مقایسه وضعیت گروه‌های هم‌تبار در کشورهای مختلف می‌تواند زمینه‌ساز تنش‌های قومی و تعارضات قوم‌ملی‌گرایانه شود (Chen et al., 2025). همچنین، در جوامعی که توزیع قدرت و منابع سیاسی به‌صورت نابرابر ادراک می‌شود، اعتماد سیاسی کاهش می‌یابد و گروه‌های محروم ممکن است نهادهای رسمی را کمتر مشروع بدانند (Granados & López, 2024; Jongen & Scholte, 2024).



(2022). در زمینه ایران نیز مسئله هویت جمعی، نگرش به دموکراسی، و نسبت میان هویت قومی و ملی در مطالعات جامعه‌شناختی مورد توجه بوده است و نشان داده شده که کیفیت ادراک افراد از عدالت و مشارکت اجتماعی می‌تواند بر نحوه تعریف آنان از هویت جمعی اثر بگذارد (Abdollahi & Hosseinbar, 2006; Mohammadzadeh, 2010).

درک قوم‌گرایی بدون توجه به پیوند آن با مقایسه اجتماعی و تجربه بی‌عدالتی ناقص خواهد بود. پژوهش‌های اجتماعی معاصر نشان می‌دهند که گروه‌ها نه تنها به وضعیت عینی خود، بلکه به این مسئله واکنش نشان می‌دهند که آیا وضعیتشان را منصفانه، مشروع و قابل دفاع می‌دانند یا خیر. احساس بی‌عدالتی گروهی می‌تواند از خود نابرابری اقتصادی مهم‌تر باشد؛ چنان‌که در برخی مطالعات، بی‌عدالتی گروه‌محور بیش از نابرابری اقتصادی گروه‌محور، پیش‌بینی‌کننده گرایش به خشونت سیاسی بوده است (Sakstrup & Bartusevičius, 2024). از سوی دیگر، گفت‌وگو درباره بی‌عدالتی، تماس بین گروهی و برداشت افراد از نابرابری می‌تواند بر بسیج یا عدم بسیج اقلیت‌ها اثر بگذارد (Lantos et al., 2025). در شرایطی که اعضای گروه‌های قومی احساس کنند ساختار اجتماعی آنان را نادیده گرفته یا فرصت‌های برابر را محدود کرده است، قومیت می‌تواند از یک نشانگر فرهنگی به یک منبع مطالبه‌گری تبدیل شود. این مسئله در مورد گروه‌هایی که سابقه تاریخی طرد، حاشیه‌نشینی یا کم‌نمایی در روایت‌های رسمی دارند، برجسته‌تر است (Mijs et al., 2023).

مطالعات جدید درباره نابرابری همچنین نشان می‌دهد که تبعیض و بی‌عدالتی تنها در سطح کلان سیاسی یا اقتصادی عمل نمی‌کند، بلکه در نهادهای روزمره مانند مدرسه، دانشگاه، بازار کار، نظام سلامت و سازمان‌ها بازتولید می‌شود. برای مثال، توصیه‌های آموزشی معلمان و نظام‌های تفکیک تحصیلی می‌توانند در بازتولید نابرابری نقش داشته باشند و مسیرهای آموزشی متفاوتی برای گروه‌های اجتماعی ایجاد کنند (Batruch et al., 2023). ادراک حمایت معلم و انصاف آموزشی نیز با تجربه دانش‌آموزان از محدودیت استقلال جمعی و موقعیت قومی یا نژادی آنان مرتبط است (Rivera-Rodriguez & Mercado, 2024). همچنین، درک کودکان و نوجوانان از نابرابری‌های مبتنی بر ثروت در حوزه‌های علمی و آموزشی نشان می‌دهد که نابرابری از سنین پایین در قالب داوری‌های اجتماعی و انتظارات آینده درونی می‌شود (McGuire et al., 2023). این یافته‌ها برای مطالعه قوم‌گرایی اهمیت دارند، زیرا تجربه نابرابری در نهادهای آموزشی، شغلی و خدماتی می‌تواند به تدریج احساس محرومیت قومی را تقویت کند.

نابرابری در حوزه سلامت و خدمات عمومی نیز یکی از عرصه‌هایی است که ادراک تبعیض و قومیت را به هم پیوند می‌دهد. پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه همه‌گیری کووید-۱۹ نشان دادند که برداشت افراد از نابرابری‌های نظام سلامت، تجربه تبعیض درمانی و تهدید ادراک‌شده بیماری، با رفتارهای پیشگیرانه، خودارزیابی سلامت و تمایل به دریافت واکسن در گروه‌های نژادی و قومی مختلف ارتباط دارد (Fernandez et al., 2023; Sherchan et al., 2024; Sherchan et al., 2022). این مطالعات نشان می‌دهند که وقتی افراد احساس کنند نظام‌های رسمی خدمات را به‌طور برابر ارائه نمی‌کنند، اعتماد آنان به نهادها کاهش یافته و مرزبندی‌های گروهی برجسته‌تر می‌شود. حتی در حوزه‌های تخصصی‌تر مانند توان‌بخشی یا آموزش دندان‌پزشکی نیز تجربه کاربران و دانشجویان از ویژگی‌های حفاظت‌شده، اقلیت‌بودگی و اقلیم فرهنگی می‌تواند برداشت آنان از عدالت نهادی را شکل دهد (Drover et al., 2025; Fleming et al., 2025). بنابراین، قوم‌گرایی را باید در امتداد تجربه‌های روزمره از انصاف یا بی‌انصافی در نهادهای اجتماعی تحلیل کرد.

در سطح روان‌شناختی و هویتی، قوم‌گرایی با فرایندهای شکل‌گیری هویت قومی، آگاهی انتقادی، احساس تعلق، و برداشت از موانع ساختاری پیوند دارد. پژوهش‌های اخیر درباره جوانان رنگین‌پوست نشان داده‌اند که الگوهای هویت قومی - نژادی و آگاهی انتقادی با مشارکت در حوزه‌های علمی و ادراک موانع مرتبطاند (Mathews et al., 2025). همچنین، زمانی که افراد اقلیت احساس کنند در ساختار اجتماعی در موقعیت پایین‌تری قرار دارند، ممکن است ملی‌گرایی یا اشکال خاصی از تعلق جمعی به‌عنوان سازوکاری جبرانی برای ادراک محرومیت قومی عمل کند (Konur et al., 2025). در این میان، تعلق قومی نه الزاماً نشانه واگرایی سیاسی، بلکه گاه راهی برای حفظ عزت جمعی، بازسازی منزلت و مقابله با تجربه فرودستی است. با این حال، هنگامی که این احساس با ادراک نابرابری سیاسی و اقتصادی همراه شود، امکان تبدیل آن به مطالبه‌گری قومی و فاصله‌گیری از هویت‌های فراگیرتر افزایش می‌یابد.

پژوهش‌های مربوط به منابع طبیعی، زمین، و رقابت بر سر منابع نیز نشان داده‌اند که نابرابری اقتصادی و رقابت مادی می‌تواند هویت قومی را برجسته‌تر کند. برای نمونه، استخراج منابع معدنی در برخی مناطق، برجستگی هویت‌های قومی را افزایش داده و موجب شده مردم منافع اقتصادی و سیاسی خود را از دریچه قومیت تفسیر کنند (Berman et al., 2023). در مطالعاتی درباره تعارضات محلی و دامداری نیز دیده شده است که تغییرات اقتصادی و استخراج منابع می‌تواند روابط گروهی را بازآرایی کند و تعارضات را از سطح معیشتی به سطح هویتی ارتقا دهد (Kim, 2023). همچنین، حمایت از جدایی‌طلبی یا اهداف سیاسی قوم‌محور در برخی بافت‌ها با حافظه تاریخی، نارضایتی سیاسی، و احساس تداوم بی‌عدالتی پیوند دارد (Tuki, 2024). این یافته‌ها نشان می‌دهند که قوم‌گرایی معمولاً پدیده‌ای جدا از ساختار توزیع منابع نیست، بلکه در بستر رقابت بر سر قدرت، ثروت، منزلت و فرصت شکل می‌گیرد.

نابرابری‌های اجتماعی همچنین در تعامل با جنسیت، طبقه، منزلت و موقعیت سازمانی پیچیده‌تر می‌شوند. پژوهش‌های جدید درباره رژیم‌های نابرابری در سازمان‌ها نشان داده‌اند که نابرابری به صورت نظام‌مند و از طریق قواعد رسمی و غیررسمی، انتظارات جنسیتی، ساختارهای قدرت و فرهنگ سازمانی بازتولید می‌شود (Tafvelin & Keisu, 2023). مطالعات مربوط به حضور زنان و اقلیت‌های قومی در موقعیت‌های رهبری نیز نشان می‌دهد که پذیرش تنوع قومی و جنسیتی در سطوح بالای قدرت همچنان با محدودیت‌های اجتماعی و نهادی روبه‌روست (Teigen et al., 2022). در سطح روان‌شناسی اجتماعی، حتی اعضای زن گروه‌های اقلیت که از نظر سلطه اجتماعی موقعیت بالاتری پیدا می‌کنند، ممکن است با شکل‌های خاصی از تبعیض مواجه شوند (Buhl et al., 2023). این یافته‌ها برای تحلیل قوم‌گرایی اهمیت دارند، زیرا نشان می‌دهند تجربه قومیت به‌تنهایی عمل نمی‌کند، بلکه با جنسیت، شغل، وضعیت طبقاتی، سکونت، و سرمایه اجتماعی درهم‌تنیده است.

در حوزه سیاست‌های بازتوزیمی نیز مطالعات نشان می‌دهند که حمایت از بازتوزیع منابع میان گروه‌ها به شدت تحت تأثیر ادراک شایستگی، تعلق گروهی، منافع جمعی و انصاف است. در جوامعی که رقابت گروهی شدیدتر است، افراد ممکن است از بازتوزیع اقلی بر اساس منافع گروهی خود حمایت یا با آن مخالفت کنند (Kuppens, 2024). در زمینه نچریه نیز نگرش مردم نسبت به اینکه چه گروه‌هایی شایسته حمایت هستند، به تعلقات گروهی، برداشت از محرومیت، و ارزیابی عدالت وابسته است (Langer et al., 2024). این مسئله با موضوع پژوهش حاضر ارتباط مستقیم دارد؛ زیرا پنداشت سیستمی‌ها و ترکمن‌ها از نابرابری سیاسی و اقتصادی می‌تواند نه تنها احساس فردی نارضایتی، بلکه داوری آنان درباره شایستگی گروه خود برای برخورداری از منابع و حمایت‌های بیشتر را شکل دهد. از سوی دیگر، انگ رفاهی و زمینه‌های نهادی نیز می‌تواند سلامت و تجربه زیسته گروه‌های دریافت‌کننده حمایت را تحت تأثیر قرار دهد (Lapham & Martinson, 2022).

در مطالعات مربوط به علم، سیاست عمومی و رفتار اجتماعی نیز نشان داده شده است که نابرابری و برداشت نادرست از دغدغه‌های گروه‌ها می‌تواند اعتماد اجتماعی و اثرگذاری نهادهای علمی و عمومی را تهدید کند (Schuldt et al., 2022). به همین ترتیب، در دوران همه‌گیری، ادراک نابرابری، ارزش‌های مدنی و جهت‌گیری‌های سیاسی با رفتارهای بهداشتی مانند استفاده از ماسک ارتباط داشت (Wegemer & Keyserlingk, 2022). این یافته‌ها نشان می‌دهد که ادراک نابرابری فقط بر نگرش‌های قومی اثر نمی‌گذارد، بلکه می‌تواند اعتماد به نهادها، رفتارهای جمعی، مشارکت اجتماعی و مشروعیت سیاست‌ها را نیز تحت تأثیر قرار دهد. بنابراین، بررسی رابطه میان پنداشت از نابرابری‌های سیاسی و اقتصادی با قوم‌گرایی در گرگان می‌تواند تصویری دقیق‌تر از سازوکارهای اجتماعی مؤثر بر همبستگی، اعتماد و انسجام در یک فضای چندقومیتی ارائه دهد.

در بافت ایران، مسئله قومیت همواره با مباحث دولت ملی، هویت ملی، توسعه منطقه‌ای، عدالت اجتماعی و مدیریت تنوع فرهنگی پیوند داشته است. منابع داخلی تأکید کرده‌اند که تنوع قومی در ایران واقعیتی تاریخی و اجتماعی است و سیاست‌گذاری در این حوزه باید هم به حفظ هویت‌های محلی و قومی توجه کند و هم انسجام ملی را تقویت نماید (Salehi Amiri, 2006; Varia, 2006). داده‌های جمعیتی و آماري نیز نشان می‌دهد که پراکندگی جمعیتی و تنوع منطقه‌ای در کشور، مطالعه تجربی مسائل قومی را ضروری می‌کند (Statistical Center of, 2006). استان گلستان و شهر گرگان به دلیل حضور گروه‌های مختلف قومی، مذهبی و زبانی، نمونه‌ای مناسب برای بررسی رابطه میان ادراک نابرابری و قوم‌گرایی است. در چنین بستری، تجربه همزیستی روزمره، رقابت بر سر فرصت‌ها، تفاوت مذهبی و زبانی، و برداشت از عدالت سیاسی و اقتصادی می‌تواند در شکل‌دهی به نگرش‌های قومی نقش تعیین‌کننده داشته باشد.

بر اساس مباحث نظری و تجربی مطرح شده، می‌توان گفت قوم‌گرایی در میان گروه‌های قومی نه صرفاً حاصل تفاوت فرهنگی، بلکه نتیجه تعامل میان هویت جمعی، ادراک نابرابری، احساس محرومیت، تجربه نهادی، و مقایسه اجتماعی است. اگر افراد یک گروه قومی احساس کنند که از نظر اقتصادی در موقعیت پایین‌تری قرار دارند، از نظر سیاسی کمتر دیده می‌شوند، یا در نهادهای اجتماعی با تبعیض آشکار یا پنهان مواجه‌اند، احتمال برجسته‌تر شدن هویت قومی آنان افزایش می‌یابد. در مقابل، هرچه فرصت‌های برابرتر، نمایندگی عادلانه‌تر، اعتماد نهادی بیشتر، و تعامل بین‌گروهی سازنده‌تر باشد، امکان کاهش تنش‌های قومی و تقویت همبستگی اجتماعی افزایش خواهد یافت. بنابراین، مطالعه حاضر با تمرکز بر دو گروه سیستانی و ترکمن در شهر گرگان، در پی آن است که رابطه میان پنداشت از نابرابری‌های سیاسی و اقتصادی و میزان قوم‌گرایی را در یک بستر چندقومیتی بررسی کند و سهم این برداشت‌ها را در تبیین گرایش‌های قوم‌گرایانه روشن سازد. هدف پژوهش حاضر تحلیل تأثیر پنداشت مردم از نابرابری‌های سیاسی و اقتصادی بر میزان قوم‌گرایی در میان قومیت‌های سیستانی و ترکمن شهر گرگان است.

## روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نوع پیمایشی و در زمره تحقیقات کمی قرار دارد. انتخاب روش پیمایشی با ماهیت موضوع پژوهش، یعنی بررسی ادراک افراد از نابرابری‌های سیاسی و اقتصادی و ارتباط آن با قوم‌گرایی، تناسب دارد؛ زیرا نگرش‌ها، باورها و برداشت‌های ذهنی افراد نسبت به مسائل اجتماعی و سیاسی به‌طور مستقیم قابل مشاهده نیستند و نیازمند سنجش از طریق ابزارهای غیرمستقیم هستند. از منظر جامعه‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی، افراد به‌عنوان کنشگرانی تفسیرکننده، معانی و برداشت‌های متفاوتی از واقعیت‌های اجتماعی دارند و این تفاوت‌های ادراکی تنها از طریق پرسشگری نظام‌مند و گردآوری داده‌های پیمایشی قابل مطالعه است. از این‌رو، روش پیمایشی امکان بررسی گسترده دیدگاه‌ها و نگرش‌های افراد را فراهم کرده و شرایط مناسبی برای تحلیل روابط میان متغیرهای مورد مطالعه ایجاد می‌کند.

جامعه آماری پژوهش شامل تمامی مردان و زنان سیستانی و ترکمن ۱۸ تا ۶۵ سال ساکن شهر گرگان در استان گلستان بود. بر اساس آخرین آمارهای رسمی، جمعیت این جامعه بالغ بر ۳۵۰٫۶۷۶ نفر برآورد شد. محدوده سنی ۱۸ تا ۶۵ سال با توجه به ماهیت موضوع پژوهش انتخاب گردید؛ زیرا افراد در این بازه سنی از نظر حقوقی و اجتماعی امکان مشارکت در فرایندهای سیاسی و اجتماعی را داشته و قادر به ارائه برداشت‌ها و نگرش‌های آگاهانه درباره مسائل قومی، سیاسی و اقتصادی هستند. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران محاسبه شد و تعداد ۴۰۰ نفر به‌عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. از این تعداد، ۲۰۰ نفر از قوم سیستانی و ۲۰۰ نفر از قوم ترکمن بودند تا امکان مقایسه و تحلیل متوازن میان دو گروه قومی فراهم شود.

نمونه‌گیری در این پژوهش به‌صورت خوشه‌ای چندمرحله‌ای انجام شد. در مرحله نخست، مناطق مختلف شهر گرگان به‌عنوان خوشه‌های اصلی در نظر گرفته شدند و تعدادی از آنها به‌صورت تصادفی انتخاب گردیدند. سپس از میان محله‌های منتخب، چهار محله با تراکم بالای جمعیت سیستانی شامل کاشانی، چناران، شهرک حافظ و ایرانمهر به‌صورت تصادفی گزینش شدند. در مورد جامعه ترکمن، به دلیل پراکندگی جغرافیایی بیشتر و تعداد کمتر ساکنان در برخی مناطق شهری، از روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی استفاده شد؛ به این صورت که پس از شناسایی افراد اولیه، دسترسی به سایر افراد واجد شرایط از طریق معرفی آنان امکان‌پذیر گردید. در نهایت، نمونه مورد نظر از میان خانوارهای ساکن این مناطق انتخاب شد و مشارکت‌کنندگان پس از آگاهی از اهداف پژوهش، در مطالعه شرکت کردند.

داده‌های پژوهش از طریق پرسشنامه محقق‌ساخته گردآوری شد. این پرسشنامه شامل ۸۲ گویه بود که در قالب سؤالات بسته و نیمه‌باز طراحی شد و ابعاد مختلف متغیرهای پژوهش را مورد سنجش قرار داد. پرسشنامه از چهار بخش اصلی تشکیل شده بود که شامل سنجش قوم‌گرایی، پنداشت از نابرابری‌های سیاسی، پنداشت از نابرابری‌های اقتصادی و متغیرهای زمینه‌ای و جمعیت‌شناختی بود. برای اندازه‌گیری پاسخ‌ها از طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت از «کاملاً مخالفم» تا «کاملاً موافقم» استفاده شد و نمرات هر مقیاس از مجموع پاسخ‌های گویه‌های مربوطه به دست آمد.

به‌منظور افزایش دقت پاسخ‌دهی و ایجاد اعتماد در میان مشارکت‌کنندگان، در فرایند توزیع پرسشنامه از همکاری افراد شناخته‌شده و مورد اعتماد در میان جوامع سیستانی و ترکمن استفاده شد. این اقدام سبب شد پاسخ‌گویان با اطمینان بیشتری در پژوهش مشارکت کرده و دیدگاه‌ها و نگرش‌های واقعی خود را درباره مسائل مورد مطالعه بیان کنند.



همچنین طراحی گویه‌ها بر مبنای مبانی نظری پژوهش و ادبیات علمی مرتبط با قوم‌گرایی، نابرابری اجتماعی و احساس محرومیت نسبی انجام گرفت تا پوشش مناسبی از ابعاد مفهومی متغیرها حاصل شود.

برای بررسی روایی ابزار از روایی صوری استفاده شد. در این راستا، پرسشنامه در اختیار گروهی از متخصصان و صاحب‌نظران حوزه جامعه‌شناسی، مطالعات قومی و روش تحقیق قرار گرفت و درباره تناسب، شفافیت و کفایت گویه‌ها نظرخواهی شد. اصلاحات لازم بر اساس دیدگاه‌های کارشناسان اعمال گردید تا اطمینان حاصل شود که گویه‌ها به‌درستی سازه‌های مورد نظر را اندازه‌گیری می‌کنند. همچنین برای سنجش پایایی ابزار از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. بدین منظور، پرسشنامه ابتدا به‌صورت آزمایشی در میان ۵۰ نفر از اعضای جامعه آماری اجرا شد. نتایج نشان داد که ضریب آلفای کرونباخ کل پرسشنامه برابر با ۰/۸۴ است که بیانگر پایایی مطلوب ابزار است. علاوه بر این، ضرایب آلفا برای مقیاس قوم‌گرایی ۰/۹۱، پنداشت از نابرابری‌های سیاسی ۰/۸۸، پنداشت از نابرابری‌های اقتصادی ۰/۷۹ و متغیرهای زمینه‌ای ۰/۸۱ به دست آمد که همگی بالاتر از حد قابل قبول ۰/۷۰ بوده و نشان‌دهنده ثبات و قابلیت اعتماد مناسب ابزار اندازه‌گیری هستند.

پس از جمع‌آوری داده‌ها، اطلاعات حاصل از پرسشنامه‌ها کدگذاری و وارد نرم‌افزار آماری SPSS شد. تحلیل داده‌ها در دو سطح توصیفی و استنباطی انجام گرفت. در بخش آمار توصیفی، از شاخص‌هایی نظیر فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار برای توصیف ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پاسخ‌گویان و متغیرهای اصلی پژوهش استفاده شد. این شاخص‌ها تصویری کلی از وضعیت قوم‌گرایی و میزان ادراک نابرابری‌های سیاسی و اقتصادی در میان مشارکت‌کنندگان ارائه کردند.

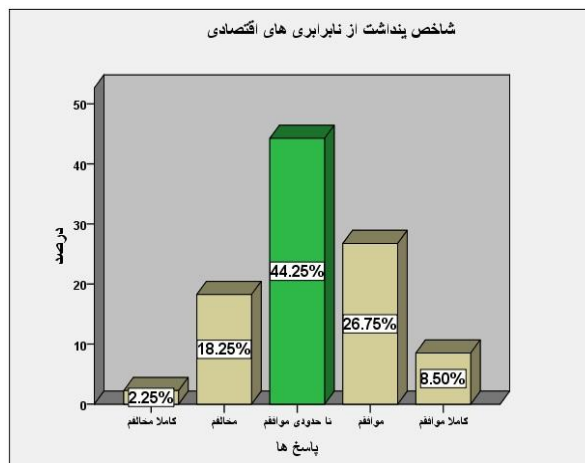
در بخش آمار استنباطی، برای بررسی روابط میان متغیرها از آزمون‌های همبستگی و رگرسیون چندگانه استفاده شد. تحلیل همبستگی به‌منظور تعیین جهت و شدت ارتباط میان پنداشت از نابرابری‌های سیاسی و اقتصادی با قوم‌گرایی انجام شد. همچنین به‌منظور بررسی قدرت پیش‌بینی متغیرهای مستقل و سهم هر یک از آنها در تبیین تغییرات قوم‌گرایی، از تحلیل رگرسیون چندگانه بهره گرفته شد. تمامی آزمون‌های آماری در سطح اطمینان ۹۵ و ۹۹ درصد تفسیر شدند و نتایج حاصل مبنای آزمون فرضیه‌های پژوهش و پاسخ‌گویی به پرسش‌های تحقیق قرار گرفتند.

## یافته‌ها

در این بخش، ابتدا یافته‌های تحقیق توصیف شده و در ادامه، یافته‌ها به‌صورت استنباطی و تحلیلی برای کشف روابط و پیوندهای متغیرها با یکدیگر ارائه می‌شود.

### جدول ۱. توصیف کلیه پاسخ‌گویان بر حسب شاخص پنداشت از نابرابری اقتصادی

شاخص پنداشت از نابرابری اقتصادی	سیستانی؛ فراوانی	سیستانی؛ درصد نسبی	ترکمن؛ فراوانی	ترکمن؛ درصد نسبی	کل؛ فراوانی	کل؛ درصد نسبی
کاملاً مخالفم	۲	۱۰	۷	۳۵	۹	۲۲
مخالفم	۳۷	۱۸۵	۳۶	۱۸۰	۷۳	۱۸۲
تا حدودی موافقم	۹۱	۴۵۵	۸۶	۴۳۰	۱۷۷	۴۴۲
موافقم	۴۹	۲۴۵	۵۸	۲۹۰	۱۰۷	۲۶۸
کاملاً موافقم	۲۱	۱۰۵	۱۳	۶۵	۳۴	۸۵
کل	۲۰۰	۱۰۰۰	۲۰۰	۱۰۰۰	۴۰۰	۱۰۰۰
میانگین کل	۳۰۲۵۰ از ۵ نمره		۳۰۱۷۰ از ۵ نمره		۳۰۲۱۰ از ۵ نمره	

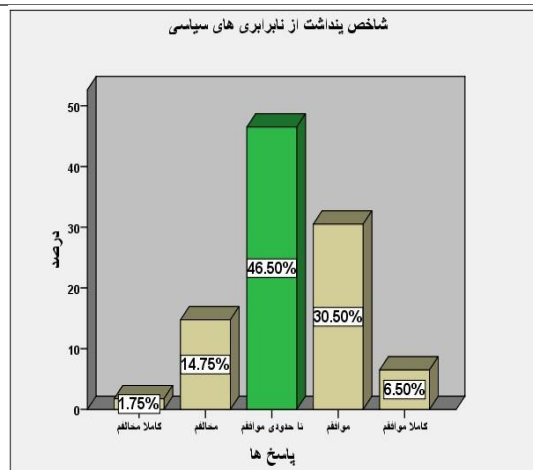


شکل ۱. توصیف کلیه پاسخ گویان بر حسب شاخص پنداشت از نابرابری اقتصادی

داده های شکل فوق نشان می دهد از مجموع ۴۰۰ پاسخ گوی مورد مطالعه، به لحاظ شاخص پنداشت از نابرابری اقتصادی، گزینه «تا حدودی موافقم» با ۴۴.۲ درصد، بیشترین فراوانی نسبی را به خود اختصاص داده است.

جدول ۲. توصیف کلیه پاسخ گویان بر حسب شاخص پنداشت از نابرابری سیاسی

شاخص پنداشت از نابرابری سیاسی	سیستانی؛ فراوانی	سیستانی؛ درصد نسبی	ترکمن؛ فراوانی	ترکمن؛ درصد نسبی	کل؛ فراوانی	کل؛ درصد نسبی
کاملاً مخالف	۴	۲.۰	۳	۱.۵	۷	۱.۸
مخالف	۲۲	۱۱.۰	۳۷	۱۸.۵	۵۹	۱۴.۸
تا حدودی موافقم	۱۰۹	۵۴.۵	۷۷	۳۸.۵	۱۸۶	۴۶.۵
موافقم	۵۱	۲۵.۵	۷۱	۳۵.۵	۱۲۲	۳۰.۵
کاملاً موافقم	۱۴	۷.۰	۱۲	۶.۰	۲۶	۶.۵
کل	۲۰۰	۱۰۰.۰	۲۰۰	۱۰۰.۰	۴۰۰	۱۰۰.۰
میانگین کل	۳.۲۴۵ از ۵ نمره		۳.۲۶۰ از ۵ نمره		۳.۲۵۲ از ۵ نمره	

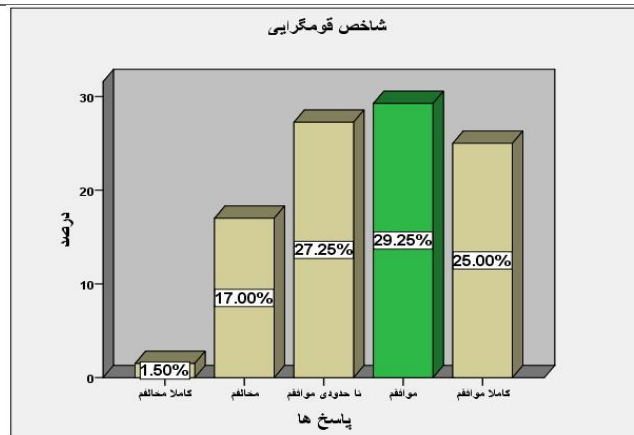


شکل ۲. توصیف کلیه پاسخ گویان بر حسب شاخص پنداشت از نابرابری سیاسی

داده های شکل فوق نشان می دهد از مجموع ۴۰۰ پاسخ گوی مورد مطالعه، به لحاظ شاخص پنداشت از نابرابری سیاسی، گزینه «تا حدودی موافقم» با ۴۶.۵ درصد، بیشترین فراوانی نسبی را به خود اختصاص داده است.

جدول ۳. توصیف کلیه پاسخ‌گویان بر حسب شاخص قوم‌گرایی

شاخص قوم‌گرایی	سیستانی؛ فراوانی	سیستانی؛ درصد نسبی	ترکمن؛ فراوانی	ترکمن؛ درصد نسبی	کل؛ فراوانی	کل؛ درصد نسبی
کاملاً مخالفم	۳	۱.۵	۳	۱.۵	۶	۱.۵
مخالفم	۳۶	۱۸.۰	۳۲	۱۶.۰	۶۸	۱۷.۰
تا حدودی موافقم	۶۸	۳۴.۰	۴۱	۲۰.۵	۱۰۹	۲۷.۲
موافقم	۳۷	۱۸.۵	۸۰	۴۰.۰	۱۱۷	۲۹.۲
کاملاً موافقم	۵۶	۲۸.۰	۴۴	۲۲.۰	۱۰۰	۲۵.۰
کل	۲۰۰	۱۰۰.۰	۲۰۰	۱۰۰.۰	۴۰۰	۱۰۰.۰
میانگین کل	۳.۶۵۰ از ۵ نمره		۲.۵۶۰ از ۵ نمره		۳.۵۹۲ از ۵ نمره	



شکل ۳. توصیف کلیه پاسخ‌گویان بر حسب شاخص قوم‌گرایی

داده‌های شکل فوق نشان می‌دهد از مجموع ۴۰۰ پاسخ‌گوی مورد مطالعه، به لحاظ شاخص قوم‌گرایی، گزینه «موافقم» با ۲۹.۲ درصد، بیشترین فراوانی نسبی را به خود اختصاص داده است.

جدول ۴. توصیف تفکیکی گویه‌های پاسخ‌گویان بر حسب شاخص قوم‌گرایی

ردیف	شاخص قوم‌گرایی	اقوام	کاملاً مخالفم	مخالفم	تا حدودی موافقم	موافقم	کاملاً موافقم	میانگین
۱	تفکر به عضویت در گروه قومی	سیستانی	۲۶.۵	۱۳.۰	۳۶.۰	۱۸.۰	۶.۵	۲.۶۵۰
		ترکمن	۱۲.۰	۲۶.۵	۳۸.۰	۱۷.۵	۶.۰	۲.۷۹۰
۲	خوشحالی به علت عضو گروه قومی بودن	سیستانی	۱.۰	۶.۵	۲۱.۰	۲۶.۵	۴۵.۰	۴.۰۸۰
		ترکمن	۲.۰	۱۶.۰	۲۱.۵	۳۰.۵	۳۰.۰	۳.۷۰۵
۳	احساس تعلق به گروه قومی	سیستانی	۲.۵	۸.۵	۲۴.۵	۲۴.۰	۴۰.۵	۳.۹۱۵
		ترکمن	۳.۰	۱۴.۰	۲۷.۰	۲۹.۵	۲۶.۵	۳.۶۲۵
۴	افتخار به گروه قومی	سیستانی	۳.۰	۹.۵	۱۴.۵	۲۲.۰	۵۱.۰	۴.۰۸۵
		ترکمن	۱.۵	۱۲.۵	۲۱.۵	۳۲.۰	۳۲.۵	۳.۸۱۵
۵	احساس علاقه به فرهنگ قومی	سیستانی	۳.۰	۲.۰	۱۱.۵	۳۰.۰	۳۵.۵	۴.۲۹۰
		ترکمن	۴.۰	۴.۵	۱۶.۰	۳۱.۵	۴۴.۰	۴.۰۷۰
۶	علاقه به ماندن در گروه قومی	سیستانی	۷.۰	۹.۵	۱۴.۰	۱۷.۰	۵۲.۵	۳.۹۸۵
		ترکمن	۷.۵	۳.۵	۱۴.۵	۲۷.۰	۴۷.۰	۴.۰۳۵
۷	حفظ ارتباط فرهنگی با منطقه قومی	سیستانی	۳.۵	۶.۰	۲۶.۰	۲۷.۵	۳۷.۰	۳.۸۸۵
		ترکمن	۳.۰	۶.۰	۲۱.۵	۳۳.۵	۳۶.۰	۳.۹۳۵
۸	علاقه به دفاع از هویت قومی	سیستانی	۰.۵	۸.۵	۲۲.۵	۲۱.۵	۴۲.۵	۳.۸۸۰

۴.۰۵۵	۴۵.۰	۳۱.۵	۱۲.۵	۶.۰	۰.۵	ترکمن	
۳.۲۸۰	۱۹.۰	۲۲.۵	۳۲.۵	۱۹.۵	۶.۵	سیستانی	۹ ناراحتی از جُک‌های قومی
۳.۶۲۰	۳۲.۵	۲۴.۰	۲۴.۵	۱۱.۰	۸.۰	ترکمن	
۳.۸۴۰	۴۰.۵	۲۴.۵	۲۰.۵	۷.۵	۷.۰	سیستانی	۱۰ ناراحتی از تصاویر رسانه‌ای منفی قومی
۴.۱۸۰	۴۶.۰	۳۵.۵	۱۱.۵	۴.۵	۲.۵	ترکمن	
۳.۵۱۵	۳۲.۰	۲۰.۰	۲۴.۵	۱۴.۵	۹.۰	سیستانی	۱۱ وابستگی عاطفی به قوم
۳.۸۰۵	۲۵.۵	۳۹.۰	۲۷.۵	۶.۵	۱.۵	ترکمن	
۴.۰۰۵	۴۴.۵	۲۷.۰	۱۷.۵	۶.۵	۴.۵	سیستانی	۱۲ آرزوی بودن در گروه قومی دیگر
۴.۲۶۵	۵۴.۰	۲۸.۰	۱۰.۵	۵.۵	۲.۰	ترکمن	
۳.۴۸۰	۲۱.۵	۲۹.۵	۳۲.۰	۹.۵	۷.۵	سیستانی	۱۳ الگو قرار دادن بزرگان قوم
۳.۶۳۰	۲۶.۰	۲۶.۰	۳۷.۰	۷.۰	۴.۰	ترکمن	
۳.۷۸۵	۳۴.۵	۳۰.۰	۲۱.۰	۸.۵	۶.۰	سیستانی	۱۴ علاقه به حفظ سنن و رسوم قومی
۴.۱۹۵	۵۲.۰	۲۴.۰	۱۸.۵	۲.۵	۳.۰	ترکمن	
۴.۰۳۰	۵۰.۰	۲۱.۰	۱۶.۰	۸.۰	۰.۵	سیستانی	۱۵ عشق ورزیدن به سرزمین قومی
۴.۲۶۵	۵۴.۵	۲۵.۰	۱۵.۵	۲.۵	۲.۵	ترکمن	
۴.۱۰۰	۴۷.۵	۲۶.۰	۱۸.۵	۰.۵	۳.۰	سیستانی	۱۶ افتخار به زبان قومی
۴.۲۹۵	۵۷.۰	۲۳.۰	۱۳.۰	۶.۵	۰.۵	ترکمن	
۳.۸۶۵	۴۲.۵	۲۵.۵	۱۴.۵	۱۱.۰	۶.۵	سیستانی	۱۷ احساس بی‌تعلقی به قوم
۳.۹۷۵	۴۴.۰	۳۰.۰	۱۳.۰	۵.۵	۷.۵	ترکمن	
۳.۹۸۵	۴۶.۵	۲۶.۵	۱۱.۰	۱۱.۰	۰.۵	سیستانی	۱۸ احساس تنفر از قوم
۴.۱۹۵	۵۱.۰	۲۸.۰	۱۳.۵	۴.۵	۳.۰	ترکمن	
۲.۴۲۰	۸.۰	۱۴.۵	۱۸.۵	۲۹.۵	۲۹.۵	سیستانی	۱۹ اولویت قومیت بر ملیت
۲.۴۴۵	۱۰.۰	۹.۵	۱۸.۵	۳۹.۰	۲۳.۰	ترکمن	
۴.۰۱۰	۴۴.۵	۲۸.۵	۱۴.۵	۸.۵	۴.۰	سیستانی	۲۰ علاقه به تکلم به زبان مادری برای فرزندان
۴.۱۲۵	۴۹.۰	۲۹.۵	۱۲.۰	۴.۰	۵.۵	ترکمن	

داده‌های جدول فوق نشان می‌دهد به لحاظ شاخص قوم‌گرایی، قومیت سیستانی دارای میانگین کل ۳.۵۳۵ و قومیت ترکمن دارای میانگین کل ۳.۶۵۰ از ۵ نمره است.

#### جدول ۵. میانگین شاخص‌ها

متغیرها	اقوام	میانگین کل شاخص از ۵ نمره	ارزش نمرات
پنداشت از نابرابری‌های اقتصادی	سیستانی	۳.۲۵۰	۱ = کاملاً مخالفم؛ ۲ = مخالفم؛ ۳ = تا حدودی موافقم؛ ۴ = موافقم؛ ۵ = کاملاً موافقم
پنداشت از نابرابری‌های اقتصادی	ترکمن	۳.۱۷۰	۱ = کاملاً مخالفم؛ ۲ = مخالفم؛ ۳ = تا حدودی موافقم؛ ۴ = موافقم؛ ۵ = کاملاً موافقم
پنداشت از نابرابری‌های سیاسی	سیستانی	۳.۲۴۵	۱ = کاملاً مخالفم؛ ۲ = مخالفم؛ ۳ = تا حدودی موافقم؛ ۴ = موافقم؛ ۵ = کاملاً موافقم
پنداشت از نابرابری‌های سیاسی	ترکمن	۳.۲۶۰	۱ = کاملاً مخالفم؛ ۲ = مخالفم؛ ۳ = تا حدودی موافقم؛ ۴ = موافقم؛ ۵ = کاملاً موافقم
قوم‌گرایی	سیستانی	۳.۵۳۵	۱ = کاملاً مخالفم؛ ۲ = مخالفم؛ ۳ = تا حدودی موافقم؛ ۴ = موافقم؛ ۵ = کاملاً موافقم
قوم‌گرایی	ترکمن	۳.۶۵۰	۱ = کاملاً مخالفم؛ ۲ = مخالفم؛ ۳ = تا حدودی موافقم؛ ۴ = موافقم؛ ۵ = کاملاً موافقم

با توجه به داده‌های جدول، میانگین پاسخ‌های هر دو متغیر مستقل، یعنی پنداشت از نابرابری‌های اقتصادی و پنداشت از نابرابری‌های سیاسی، و متغیر وابسته، یعنی قوم‌گرایی،

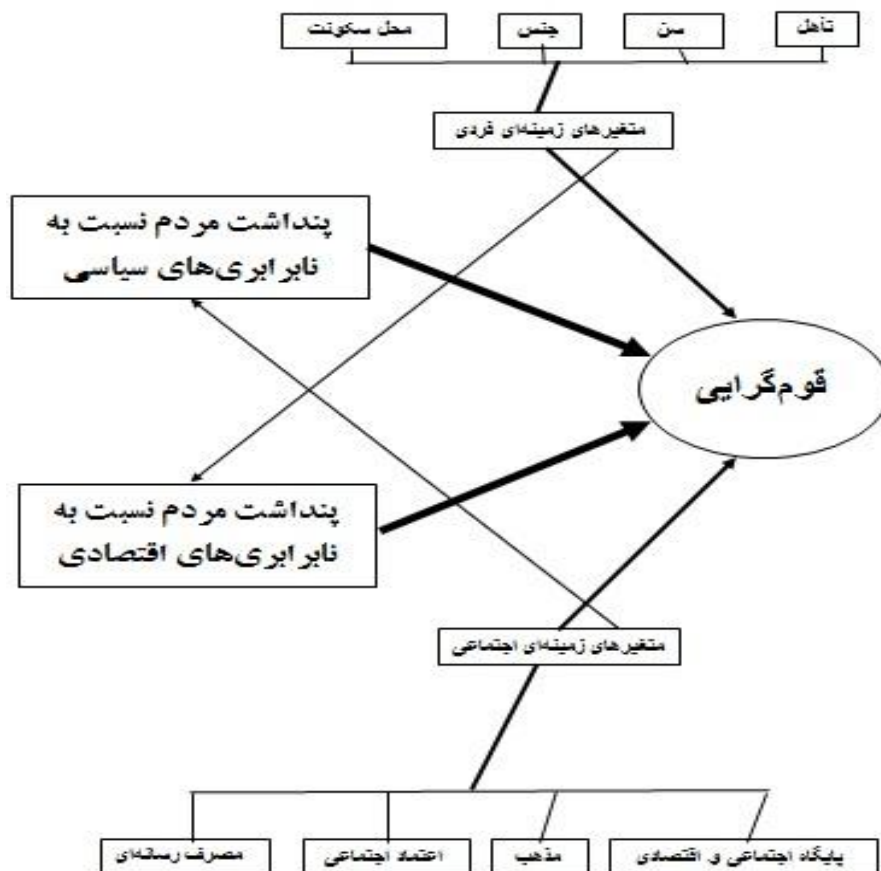
بالاتر از ۳ است که نشان‌دهنده وضعیت متوسط رو به بالا در این شاخص‌هاست.



جدول ۶. بررسی نرمال بودن داده‌ها

شاخص	پنداشت از نابرابری‌های اقتصادی	پنداشت از نابرابری‌های سیاسی	قوم‌گرایی
بیشترین اختلاف؛ مطلق	۰.۰۵۹	۰.۰۴۳	۰.۰۹۶
بیشترین اختلاف؛ مثبت	۰.۰۵۹	۰.۰۴۳	۰.۰۵۷
بیشترین اختلاف؛ منفی	-۰.۰۴۳	-۰.۰۳۳	-۰.۰۹۶
آماره K-S	۱.۱۸۸	۰.۸۵۰	۱.۹۲۴
سطح معناداری	۰.۱۱۹	۰.۴۶۵	۰.۱۱۳

با توجه به جدول فوق و بالاتر بودن سطوح معناداری از ۰.۰۵، توزیع داده‌ها نرمال است و می‌توان در این بخش از آزمون‌های کمی و پارامتریک، از جمله آزمون  $t$ ، آنوا، پیرسون، رگرسیون، تحلیل مسیر و سایر آزمون‌های مشابه استفاده کرد.



شکل ۴. مدل مفهومی پژوهش

آزمون فرضیات مقایسه میانگین‌های متغیرهای تفاوتی

جدول ۷. خلاصه آزمون فرضیات مقایسه میانگین متغیرهای دارای دو گروه مستقل

فرضیه	متغیر مستقل و وابسته	قومیت	طبقات	میانگین	انحراف معیار	نام آزمون	مقدار آزمون	سطح معناداری	نتیجه
یک	جنسیت و قوم‌گرایی	سیستانی	مرد	۷۳.۳۵	۱۲.۸۹	t-test	۱.۵۱۸	۰.۱۳۱	رد
		سیستانی	زن	۷۶.۲۱	۱۳.۱۱				
		ترکمن	مرد	۸۰.۰۶	۱۱.۱۴	t-test	-۲.۱۰۴	۰.۰۳۸	تأیید

				۱۲.۹۹	۷۶.۰۳	زن	ترکمن		
دو	محل تولد و قوم‌گرایی	سیستانی	شهر	۱۲.۵۹	۷۴.۸۳				
رد	۰.۷۹۴	-۰.۲۶۱	t-test	۱۳.۵۵	۷۵.۳۱	روستا	سیستانی		
				۱۳.۱۲	۷۶.۹۰	شهر	ترکمن		
رد	۰.۸۳۵	-۰.۲۰۹	t-test	۱۱.۶۱	۷۷.۲۹	روستا	ترکمن		
سه	وضعیت اشتغال و قوم‌گرایی	سیستانی	بیکار	۱۲.۵۹	۷۱.۴۳				
تأیید	۰.۰۰۱	-۳.۲۳۰	t-test	۱۳.۵۵	۷۷.۴۱	شاغل	سیستانی		
				۱۰.۸۶	۷۹.۰۸	بیکار	ترکمن		
رد	۰.۱۷۲	۱.۳۷۹	t-test	۱۳.۱۰	۷۶.۴۲	شاغل	ترکمن		
چهار	زبان مادری و قوم‌گرایی	سیستانی	سیستانی	۱۳.۰۷	۷۵.۰۸				
رد	۰.۱۳۲	-۱.۵۰۸	t-test	۱۲.۶۵	۷۷.۰۲	ترکمنی	ترکمن		

جدول فوق نتایج چهار فرضیه پژوهش را که تفاوت دو گروه مستقل را در متغیرهای متفاوت نشان می‌دهد، ارائه کرده است. نتایج حاکی از آن است که متغیر قوم‌گرایی با متغیر جنسیت در بین ترکمن‌ها و نیز با متغیر وضعیت اشتغال در بین سیستانی‌ها تفاوت معناداری دارد، اما در سایر متغیرها و قومیت‌ها این تفاوت معنادار مشاهده نشده است. جدول زیر نشان می‌دهد که بین متغیر شغل افراد در هر دو قومیت سیستانی در سطح اطمینان ۹۵ درصد و ترکمن در سطح اطمینان ۹۵ درصد، متغیر شغل همسر در قومیت سیستانی در سطح اطمینان ۹۹ درصد، متغیر وضعیت تأهل در قومیت ترکمن در سطح اطمینان ۹۵ درصد، و متغیر نوع سکونت در قومیت ترکمن در سطح اطمینان ۹۵ درصد با متغیر قوم‌گرایی رابطه معنادار وجود دارد.

#### جدول ۸. خلاصه نتایج فرضیات تفاوتی دارای بیش از دو ارزش

ردیف	متغیر مستقل	متغیر وابسته	قومیت	مقدار آزمون F	سطح معناداری	نتیجه
۱	شغل پاسخ‌گو	قوم‌گرایی	سیستانی	۳.۸۵۰	۰.۰۰۳	تأیید
			ترکمن	۲.۳۰۹	۰.۰۴۷	تأیید
۲	شغل همسر	قوم‌گرایی	سیستانی	۳.۹۴۲	۰.۰۰۱	تأیید
			ترکمن	۰.۸۳۶	۰.۵۲۶	رد
۳	شغل پدر	قوم‌گرایی	سیستانی	۱.۴۸۵	۰.۱۸۲	رد
			ترکمن	۰.۸۵۱	۰.۵۱۵	رد
۴	شغل مادر	قوم‌گرایی	سیستانی	۰.۸۶۲	۰.۵۰۶	رد
			ترکمن	۰.۲۵۲	۰.۹۰۸	رد
۵	وضعیت تأهل	قوم‌گرایی	سیستانی	۱.۹۵۶	۰.۱۲۰	رد
			ترکمن	۳.۵۱۰	۰.۰۳۲	تأیید
۶	نوع سکونت	قوم‌گرایی	سیستانی	۲.۶۳۸	۰.۰۷۳	رد
			ترکمن	۲.۹۶۶	۰.۰۵۴	تأیید

همان‌طور که در جدول فوق مشاهده می‌شود، شش فرضیه پژوهش با آزمون پارامتری آنوای یک‌طرفه سنجیده شده و نتایج همه این فرضیات در جدول ارائه شده است. جدول زیر نشان می‌دهد که همبستگی بین متغیر پنداشت از نابرابری‌های اقتصادی و متغیر قوم‌گرایی در مجموع اقوام سیستانی و ترکمن معنادار است و مقدار آن برابر با  $\Gamma = 0.273$  و  $p < 0.01$  است؛ بنابراین فرضیه مربوط تأیید می‌شود. همچنین همبستگی بین متغیر پنداشت از نابرابری‌های سیاسی و قوم‌گرایی در مجموع اقوام سیستانی و ترکمن با مقدار  $\Gamma = 0.239$  و  $p < 0.01$  معنادار است و این فرضیه نیز تأیید می‌شود. همبستگی بین پنداشت از نابرابری‌های اقتصادی و قوم‌گرایی در قوم سیستانی با مقدار  $\Gamma = 0.450$  و  $p < 0.01$  معنادار است، اما در قوم ترکمن با مقدار  $\Gamma = -0.108$  و  $p > 0.05$  معنادار نیست. همچنین همبستگی بین پنداشت از نابرابری‌های سیاسی و قوم‌گرایی در قوم سیستانی با

مقدار  $\Gamma = 0.336$  و  $p < 0.01$  و در قوم ترکمن با مقدار  $\Gamma = 0.145$  و  $p < 0.05$  معنادار است. در بررسی جنسیت نیز همبستگی بین پنداشت از نابرابری‌های اقتصادی و قوم‌گرایی در مردان با مقدار  $\Gamma = 0.261$  و  $p < 0.01$  و در زنان با مقدار  $\Gamma = 0.301$  و  $p < 0.01$  معنادار است. همچنین همبستگی بین پنداشت از نابرابری‌های سیاسی و قوم‌گرایی در مردان با مقدار  $\Gamma = 0.164$  و  $p < 0.01$  و در زنان با مقدار  $\Gamma = 0.388$  و  $p < 0.01$  معنادار است.

### جدول ۹. خلاصه نتایج فرضیات رابطه‌ای

ردیف	متغیرها	نام آزمون	گروه	تعداد	مقدار آزمون	سطح معناداری	نتیجه
۱	پنداشت از نابرابری‌های اقتصادی / قوم‌گرایی	ضریب همبستگی پیرسون	سیستانی / ترکمن	۴۰۰	۰.۲۷۳*	۰.۰۰۰	تأیید
۲	پنداشت از نابرابری‌های سیاسی / قوم‌گرایی	ضریب همبستگی پیرسون	سیستانی / ترکمن	۴۰۰	۰.۲۳۹*	۰.۰۰۰	تأیید
۳	پنداشت از نابرابری‌های اقتصادی / قوم‌گرایی	ضریب همبستگی پیرسون	سیستانی	۲۰۰	۰.۴۵۰*	۰.۰۰۰	تأیید
		ضریب همبستگی پیرسون	ترکمن	۲۰۰	۰.۱۰۸	۰.۱۲۹	رد
۴	پنداشت از نابرابری‌های سیاسی / قوم‌گرایی	ضریب همبستگی پیرسون	سیستانی	۲۰۰	۰.۳۳۶*	۰.۰۰۰	تأیید
		ضریب همبستگی پیرسون	ترکمن	۲۰۰	۰.۱۴۵*	۰.۰۴۰	تأیید
۵	پنداشت از نابرابری‌های اقتصادی / قوم‌گرایی	ضریب همبستگی پیرسون	مردان	۲۷۲	۰.۲۶۱*	۰.۰۰۰	تأیید
		ضریب همبستگی پیرسون	زنان	۱۲۸	۰.۳۰۱*	۰.۰۰۱	تأیید
۶	پنداشت از نابرابری‌های سیاسی / قوم‌گرایی	ضریب همبستگی پیرسون	مردان	۲۷۲	۰.۱۶۴*	۰.۰۰۷	تأیید
		ضریب همبستگی پیرسون	زنان	۱۲۸	۰.۳۸۸*	۰.۰۰۰	تأیید

### بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تحلیل تأثیر پنداشت مردم از نابرابری‌های سیاسی و اقتصادی بر میزان قوم‌گرایی در میان دو قومیت سیستانی و ترکمن شهر گرگان انجام شد. نتایج توصیفی نشان داد که میانگین پنداشت از نابرابری‌های اقتصادی در هر دو گروه قومی بالاتر از سطح متوسط بود؛ به گونه‌ای که میانگین این شاخص در میان سیستانی‌ها ۳.۲۵۰ و در میان ترکمن‌ها ۳.۱۷۰ از ۵ نمره به دست آمد. همچنین میانگین پنداشت از نابرابری‌های سیاسی در میان سیستانی‌ها ۳.۲۴۵ و در میان ترکمن‌ها ۳.۲۶۰ بود که بیانگر سطح نسبتاً بالای ادراک نابرابری سیاسی در هر دو گروه است. از سوی دیگر، میانگین قوم‌گرایی در هر دو قومیت نیز بالاتر از حد متوسط گزارش شد و ترکمن‌ها با میانگین ۳.۶۵۰ در مقایسه با سیستانی‌ها با میانگین ۳.۵۳۵ سطح بالاتری از قوم‌گرایی را نشان دادند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که در بافت چندقومیتی شهر گرگان، قومیت برای پاسخ‌گویی صرفاً یک نشانگر فرهنگی یا زبانی نیست، بلکه با برداشت آنان از موقعیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی گروه خود در ارتباط است. از این منظر، نتایج پژوهش با دیدگاه‌هایی همسو است که قومیت را پدیده‌ای چندلایه می‌دانند که در پیوند با حافظه تاریخی، احساس تعلق، منافع مشترک و تجربه جایگاه گروهی در جامعه شکل می‌گیرد (Smith, 2007). همچنین این وضعیت با تحلیل‌های داخلی درباره چندقومیتی بودن جامعه ایران و ضرورت توجه به نسبت میان هویت قومی، هویت ملی، عدالت اجتماعی و مدیریت تنوع فرهنگی همخوانی دارد (Fakouhi, 2006; Salehi Amiri, 2006; Varia, 2006).

یافته‌های استنباطی نشان داد که بین پنداشت از نابرابری‌های اقتصادی و قوم‌گرایی در کل نمونه رابطه مثبت و معنادار وجود دارد؛ به گونه‌ای که با افزایش ادراک نابرابری اقتصادی، میزان قوم‌گرایی نیز افزایش یافته است. این نتیجه از نظر نظری با رویکرد محرومیت نسبی قابل تبیین است؛ زیرا افراد و گروه‌ها معمولاً وضعیت خود را در خلأ ارزیابی نمی‌کنند، بلکه آن را با موقعیت دیگر گروه‌ها مقایسه کرده و بر اساس همین مقایسه، احساس برخوردار یا محرومیت پیدا می‌کنند (Navah & Taghavi Nasab, 2007). هنگامی که اعضای یک گروه قومی احساس کنند سهم آنان از فرصت‌های اقتصادی، اشتغال، رفاه، خدمات و منابع توسعه‌ای کمتر از سایر گروه‌هاست، هویت قومی می‌تواند به چارچوبی برای تفسیر نابرابری و بیان نارضایتی تبدیل شود. این یافته با پژوهش‌هایی همسو است که نشان داده‌اند ادراک نابرابری اقتصادی، رقابت بین گروهی، باورهای حاصل جمع صفر و پیش‌دوری ادراک شده را افزایش می‌دهد (Lisnek et al., 2024). همچنین با مطالعاتی مطابقت دارد که محرومیت اقتصادی را

یکی از بسترهای مهم تشدید تعارضات اجتماعی و خشونت جمعی معرفی کرده‌اند (Wong, 2021). بنابراین، در جامعه مورد مطالعه، پنداشت از نابرابری اقتصادی را می‌توان یکی از محرک‌های مهم برجسته‌شدن مرزهای قومی دانست.

نتایج پژوهش همچنین نشان داد که بین پنداشت از نابرابری‌های سیاسی و قوم‌گرایی در کل نمونه رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. این یافته نشان می‌دهد که احساس نابرابری در دسترسی به قدرت، مشارکت، نمایندگی و امکان اثرگذاری بر تصمیم‌های جمعی می‌تواند به تقویت گرایش‌های قوم‌گرایانه منجر شود. در واقع، هنگامی که افراد احساس کنند گروه قومی آنان در ساختار تصمیم‌گیری کمتر دیده می‌شود یا سهم عادلانه‌ای از قدرت و منزلت سیاسی ندارد، قومیت می‌تواند از سطح تعلق فرهنگی فراتر رفته و به مبنایی برای مطالبه‌گری سیاسی تبدیل شود. این نتیجه با پژوهش‌هایی همخوان است که نشان داده‌اند نابرابری قومی و سیاسی می‌تواند زمینه‌ساز تعارضات قوم‌ملی‌گرایانه شود (Chen et al., 2025) و ادراک نابرابری و بی‌عدالتی در ساختارهای حکمرانی با کاهش مشروعیت و اعتماد سیاسی ارتباط دارد (Jongen & Scholte, 2024; Granados & López, 2022). در مطالعات داخلی نیز رابطه میان هویت جمعی، نگرش به دموکراسی، هویت قومی و احساس محرومیت مورد توجه قرار گرفته و نشان داده شده است که برداشت افراد از عدالت و مشارکت می‌تواند در شکل‌گیری هویت قومی و ملی نقش داشته باشد (Abdollahi & Hosseinbar, 2006; Mohammadzadeh, 2010). بنابراین، یافته حاضر تأیید می‌کند که قوم‌گرایی در گرگان صرفاً برآمده از تفاوت فرهنگی نیست، بلکه با ادراک جایگاه سیاسی گروه‌ها در ساختار اجتماعی پیوند دارد.

در تحلیل تفکیکی قومیت‌ها، رابطه پنداشت از نابرابری اقتصادی با قوم‌گرایی در میان سیستم‌ها مثبت و معنادار بود، اما در میان ترکمن‌ها معنادار نشد. این تفاوت می‌تواند نشان‌دهنده آن باشد که سازوکارهای شکل‌گیری قوم‌گرایی در دو گروه قومی یکسان نیست. در میان سیستم‌ها، ادراک نابرابری اقتصادی احتمالاً نقش برجسته‌تری در تبیین قوم‌گرایی دارد؛ یعنی احساس محرومیت اقتصادی، نابرابری فرصت‌ها یا مقایسه وضعیت معیشتی با سایر گروه‌ها می‌تواند به افزایش تعلق و حساسیت قومی منجر شود. اما در میان ترکمن‌ها، قوم‌گرایی ممکن است بیشتر تحت تأثیر عوامل تاریخی، فرهنگی، زبانی، مذهبی، سرزمینی یا سیاسی باشد تا صرفاً ادراک نابرابری اقتصادی. این تبیین با دیدگاه‌هایی سازگار است که تأکید می‌کنند هویت قومی در گروه‌های مختلف، بسته به تجربه تاریخی، جایگاه اجتماعی، توزیع منابع و ساختار روابط بین‌گروهی، از مسیرهای متفاوتی فعال می‌شود (Fakouhi, 2006; Smith, 2007). همچنین یافته حاضر با مطالعاتی همسو است که نشان می‌دهند ادراک موقعیت اقتصادی اغلب محلی و نسبی است و افراد جایگاه خود را بر اساس مقایسه با گروه‌های نزدیک و درون‌بافتی ارزیابی می‌کنند (Theunissen, 2025). بنابراین، تفاوت سیستم‌ها و ترکمن‌ها در معناداری رابطه نابرابری اقتصادی و قوم‌گرایی می‌تواند ناشی از تفاوت در الگوی مقایسه اجتماعی، جایگاه تاریخی و نوع تجربه زیسته آنان در گرگان باشد.

رابطه پنداشت از نابرابری سیاسی با قوم‌گرایی در هر دو قومیت سیستم‌ها و ترکمن معنادار بود، هرچند شدت این رابطه در میان سیستم‌ها بیشتر گزارش شد. این یافته نشان می‌دهد که ادراک نابرابری سیاسی در هر دو گروه می‌تواند به برجسته‌شدن هویت قومی منجر شود، اما میزان اثرگذاری آن بسته به تجربه هر گروه متفاوت است. نابرابری سیاسی به دلیل ارتباط مستقیم با قدرت، نمایندگی، دیده‌شدن و امکان مشارکت جمعی، برای گروه‌های قومی اهمیت بنیادی دارد. زمانی که یک گروه احساس کند در نظام تصمیم‌گیری محلی یا کلان سهم کافی ندارد، تعلق قومی می‌تواند به ابزار تفسیر وضعیت و مطالبه سهم بیشتر تبدیل شود. این نتیجه با پژوهش‌هایی همخوان است که نشان داده‌اند احساس بی‌عدالتی گروهی و محرومیت سیاسی می‌تواند حتی بیش از نابرابری اقتصادی، گرایش به کنش سیاسی و تعارض را پیش‌بینی کند (Sakstrup & Bartusevičius, 2024). همچنین یافته با نتایج پژوهش‌هایی سازگار است که نقش گفت‌وگو درباره بی‌عدالتی، ادراک تبعیض و تماس بین‌گروهی را در بسیج یا عدم بسیج اقلیت‌های قومی و اجتماعی برجسته کرده‌اند (Lantos et al., 2025). از این منظر، یافته حاضر نشان می‌دهد که مدیریت عادلانه مشارکت سیاسی و تقویت احساس نمایندگی در میان اقوام می‌تواند در کاهش قوم‌گرایی تنش‌زا مؤثر باشد.

نتایج مربوط به جنسیت نشان داد که در میان ترکمن‌ها، تفاوت معناداری در قوم‌گرایی بر حسب جنسیت وجود دارد، اما این تفاوت در میان سیستم‌ها معنادار نبود. همچنین رابطه پنداشت از نابرابری‌های اقتصادی و سیاسی با قوم‌گرایی در میان هر دو جنس معنادار بود، اما در برخی موارد شدت رابطه در میان زنان بیشتر مشاهده شد. این یافته را می‌توان از منظر درهم‌تنیدگی قومیت، جنسیت و جایگاه اجتماعی تبیین کرد. زنان در گروه‌های قومی ممکن است تجربه متفاوتی از تعلق، محدودیت، تبعیض، انتقال فرهنگ، حفظ زبان و بازتولید هویت قومی داشته باشند؛ از این رو، ادراک آنان از نابرابری می‌تواند با حساسیت بیشتری به تعلق قومی پیوند بخورد. مطالعات جدید درباره رژیم‌های نابرابری در سازمان‌ها و

ساختارهای اجتماعی نشان داده‌اند که نابرابری نه تنها در سطح قومیت، بلکه از طریق جنسیت، قدرت، ساختارهای نهادی و فرهنگ اجتماعی بازتولید می‌شود (Tafvelin & Keisu, 2023). همچنین پژوهش‌ها نشان می‌دهند که پذیرش تنوع قومی و جنسیتی در موقعیت‌های قدرت و رهبری همچنان محدودیت دارد (Teigen et al., 2022) و زنان اقلیت ممکن است با شکل‌های پیچیده‌تری از تبعیض مواجه شوند (Buhl et al., 2023). بنابراین، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که تحلیل قوم‌گرایی بدون توجه به تفاوت‌های جنسیتی و موقعیت‌های اجتماعی ناقص خواهد بود.

در بخش دیگری از نتایج، وضعیت اشتغال در میان سیستانی‌ها با قوم‌گرایی تفاوت معنادار داشت، اما در میان ترکمن‌ها این تفاوت معنادار نبود. همچنین شغل پاسخ‌گو در هر دو قومیت و شغل همسر در میان سیستانی‌ها با قوم‌گرایی ارتباط معنادار نشان داد. این یافته‌ها بیانگر آن است که جایگاه شغلی و اقتصادی افراد می‌تواند در شکل‌گیری نگرش‌های قومی نقش داشته باشد. اشتغال فقط منبع درآمد نیست، بلکه با منزلت اجتماعی، دسترسی به شبکه‌های حمایتی، احساس توانمندی، تجربه تبعیض یا فرصت برابر نیز مرتبط است. هنگامی که افراد احساس کنند مسیرهای شغلی یا اقتصادی برای گروه آنان محدودتر است، ممکن است تعلق قومی به‌عنوان منبع حمایت، معنا و هویت جمعی تقویت شود. این نتیجه با پژوهش‌هایی همسو است که نشان داده‌اند نابرابری‌های اقتصادی و سازمانی می‌تواند ادراک حضور و فرصت اقلیت‌ها را تضعیف کند (Moreno-Bella et al., 2022) و قواعد رسمی و غیررسمی در سازمان‌ها قادرند نابرابری‌های پایدار ایجاد کنند (Tafvelin & Keisu, 2023). همچنین یافته حاضر با رویکردهایی همخوان است که حمایت از بازتوزیع منابع و داوری درباره عدالت اقتصادی را وابسته به منافع گروهی، تعلق جمعی و برداشت از شایستگی گروه‌ها می‌دانند (Kuppens, 2024; Langer et al., 2024). نتایج نشان داد که وضعیت تأهل و نوع سکونت در میان ترکمن‌ها با قوم‌گرایی رابطه معنادار دارد، اما در میان سیستانی‌ها این رابطه معنادار نبود. این یافته می‌تواند نشان دهد که در میان ترکمن‌ها، پیوندهای خانوادگی، ساختار سکونت، شبکه‌های محلی و زیست جمعی نقش مهم‌تری در تداوم و تقویت هویت قومی دارند. نوع سکونت و وضعیت خانوادگی ممکن است میزان تماس با اعضای گروه قومی، مشارکت در آیین‌ها و مناسبات فرهنگی، استفاده از زبان مادری و انتقال سنت‌ها را تحت تأثیر قرار دهد. در جوامعی که هویت قومی از طریق شبکه‌های خانوادگی و محلی بازتولید می‌شود، زندگی در مناطق مترک‌تر قومی یا قرار داشتن در ساختارهای خانوادگی پایدارتر می‌تواند قوم‌گرایی را تقویت کند. این تبیین با نظریه‌هایی سازگار است که قومیت را نه فقط محصول باور فردی، بلکه نتیجه پیوندهای اجتماعی، خاطره جمعی، زبان، سرزمین و تجربه مشترک می‌دانند (Smith, 2007). همچنین با مطالعات مربوط به منابع، سرزمین و رقابت محلی همخوان است که نشان داده‌اند تعلق به مکان و تجربه زیسته محلی می‌تواند هویت قومی را برجسته‌تر کند (Berman et al., 2023; Kim, 2023).

در مجموع، نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که قوم‌گرایی در میان سیستانی‌ها و ترکمن‌های شهر گرگان پدیده‌ای چندعاملی است و تحت تأثیر ترکیبی از پنداشت نابرابری‌های سیاسی، پنداشت نابرابری‌های اقتصادی، جنسیت، اشتغال، تأهل، نوع سکونت و شرایط اجتماعی قرار دارد. نتایج همبستگی نشان داد که ادراک نابرابری سیاسی و اقتصادی در سطح کل نمونه با قوم‌گرایی رابطه مثبت و معنادار دارد و این امر با طیف گسترده‌ای از پژوهش‌های جدید درباره نقش نابرابری، تبعیض، بی‌عدالتی و محرومیت در شکل‌گیری مرزبندی‌های گروهی همسو است (Granados & López, 2024; Mijs et al., 2023; Schuldt et al., 2022). همچنین، شواهد مطالعات حوزه سلامت و خدمات عمومی نشان می‌دهد که ادراک نابرابری نهادی می‌تواند اعتماد اجتماعی و رفتارهای جمعی را تحت تأثیر قرار دهد (Fernandez et al., 2023; Sherchan et al., 2024; Sherchan et al., 2022; Wegemer & Keyserlingk, 2022). بنابراین، یافته‌های این پژوهش تأیید می‌کند که هرگاه گروه‌های قومی احساس کنند در دسترسی به منابع، فرصت‌ها، خدمات یا قدرت با نابرابری مواجه‌اند، هویت قومی آنان ممکن است برجسته‌تر شود و در قالب قوم‌گرایی نمود پیدا کند.

از منظر نظری، یافته‌های پژوهش حاضر از این فرض حمایت می‌کند که قوم‌گرایی نه حاصل تفاوت فرهنگی به‌تنهایی، بلکه محصول تلاقی تفاوت فرهنگی با ادراک نابرابری و تجربه محرومیت است. اگرچه قومیت می‌تواند در سطح فرهنگی و نمادین به معنای حفظ زبان، رسوم و احساس تعلق باشد، اما در شرایطی که با بی‌عدالتی اقتصادی یا سیاسی همراه شود، ممکن است به شکل مطالبه‌گرانه‌تر و حساس‌تری بروز کند. پژوهش‌های جدید درباره هویت قومی - نژادی و آگاهی انتقادی نیز نشان داده‌اند که تجربه موانع ساختاری می‌تواند الگوهای هویتی و مشارکت اجتماعی را تحت تأثیر قرار دهد (Mathews et al., 2025). همچنین ملی‌گرایی و تعلق جمعی گاه می‌تواند پاسخی جبرانی به ادراک

محرومیت قومی باشد (Konur et al., 2025). این یافته‌ها با نتایج پژوهش حاضر همسو هستند و نشان می‌دهند که سیاست‌گذاری در جوامع چندقومیتی باید همزمان به دو سطح توجه کند: از یک سو احترام به هویت‌های قومی، فرهنگی و زبانی، و از سوی دیگر کاهش نابرابری‌های واقعی و ادراک‌شده در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی. از نظر کاربردی، یافته‌های این پژوهش برای مدیریت تنوع قومی در شهر گرگان و مناطق مشابه اهمیت دارد. اگرچه نتایج نشان داد سطح قوم‌گرایی در هر دو گروه مورد مطالعه بالاتر از حد متوسط است، اما این امر الزاماً به معنای تعارض یا واگرایی نیست؛ بلکه می‌تواند نشانه اهمیت هویت قومی در زندگی اجتماعی پاسخ‌گویان باشد. مسئله زمانی حساس می‌شود که این هویت با احساس محرومیت، نابرابری و طرد همراه شود. بنابراین، کاهش نابرابری‌های ادراک‌شده، افزایش عدالت توزیعی، تقویت نمایندگی سیاسی و ایجاد فرصت‌های برابر اقتصادی می‌تواند از تبدیل تعلق قومی به تنش قومی جلوگیری کند. پژوهش‌های مرتبط با نابرابری در آموزش و خدمات نشان داده‌اند که تجربه انصاف و حمایت نهادی می‌تواند ادراک افراد از جایگاه اجتماعی خود را تغییر دهد (Batruch et al., 2023; McGuire et al., 2023; Rivera-Rodriguez & Mercado, 2024). بر همین اساس، سیاست‌هایی که دسترسی برابر به آموزش، اشتغال، خدمات شهری، مشارکت محلی و رسانه‌های منصفانه را تقویت کنند، می‌توانند نقش مهمی در کاهش حساسیت‌های قوم‌گرایانه منفی داشته باشند.

محدودیت‌ها: پژوهش حاضر با وجود ارائه شواهد تجربی درباره رابطه پنداشت از نابرابری‌های سیاسی و اقتصادی با قوم‌گرایی، با چند محدودیت همراه بود. نخست آنکه داده‌ها به صورت مقطعی گردآوری شدند و بنابراین امکان نتیجه‌گیری علی‌قطعی درباره جهت اثرگذاری متغیرها وجود ندارد. دوم آنکه داده‌ها بر اساس خودگزارشی پاسخ‌گویان جمع‌آوری شدند و احتمال اثرگذاری ملاحظات اجتماعی، حساسیت موضوع قومیت و تمایل به پاسخ‌های محافظه‌کارانه وجود دارد. سوم آنکه پژوهش فقط بر دو قومیت سیستانی و ترکمن در شهر گرگان متمرکز بود و تعمیم نتایج به سایر گروه‌های قومی یا مناطق چندقومیتی ایران باید با احتیاط انجام شود. همچنین، برخی متغیرهای مهم مانند تجربه مستقیم تبعیض، سطح تماس بین‌گروهی، احساس تعلق ملی، سرمایه اجتماعی و نقش رسانه‌های محلی به صورت عمیق بررسی نشدند.

پیشنهادها برای پژوهش‌های آینده: پیشنهاد می‌شود در مطالعات آینده از طرح‌های طولی استفاده شود تا بتوان تغییرات قوم‌گرایی و ادراک نابرابری را در طول زمان بررسی کرد. همچنین انجام پژوهش‌های کیفی و ترکیبی می‌تواند به فهم عمیق‌تر تجربه زیسته سیستانی‌ها و ترکمن‌ها از نابرابری، تبعیض، تعلق قومی و روابط بین‌گروهی کمک کند. مقایسه گروه‌های قومی مختلف در استان‌های دیگر نیز می‌تواند روشن سازد که آیا سازوکار مشاهده‌شده در گرگان در سایر مناطق چندقومیتی نیز تکرار می‌شود یا خیر. افزون بر این، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های بعدی نقش متغیرهای میانجی و تعدیل‌گر مانند اعتماد نهادی، هویت ملی، تماس بین‌گروهی، سرمایه اجتماعی، احساس تبعیض، وضعیت طبقاتی و میزان استفاده از رسانه‌ها در رابطه میان پنداشت نابرابری و قوم‌گرایی بررسی شود.

پیشنهادها برای عمل: بر اساس یافته‌های پژوهش، لازم است سیاست‌گذاران محلی و نهادهای اجتماعی در شهرهای چندقومیتی به کاهش نابرابری‌های ادراک‌شده و واقعی توجه ویژه داشته باشند. تقویت عدالت در توزیع فرصت‌های شغلی، خدمات شهری، امکانات آموزشی و مشارکت سیاسی می‌تواند احساس تعلق اجتماعی و اعتماد متقابل را افزایش دهد. همچنین ایجاد فضاهای گفت‌وگوی بین‌قومی، حمایت از برنامه‌های فرهنگی مشترک، بازنمایی منصفانه اقوام در رسانه‌های محلی، و استفاده از ظرفیت بزرگان و نخبگان قومی برای حل تعارضات اجتماعی می‌تواند به کاهش سوءبرداشت‌ها و تقویت همبستگی کمک کند. در کنار این اقدامات، برنامه‌ریزی برای توسعه متوازن محلات، ارتقای مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری‌های محلی، و آموزش عمومی درباره احترام به تنوع فرهنگی می‌تواند زمینه‌های قوم‌گرایی تنش‌زا را کاهش داده و همزیستی پایدارتر میان گروه‌های قومی را تقویت کند.

## تشکر و قدردانی

از تمامی کسانی که در طی مراحل این پژوهش به ما یاری رساندند تشکر و قدردانی می‌گردد.



## مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

## تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

## حمایت مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

## موازن اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی موازن و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

### Extended Summary

#### Introduction

Ethnicism remains one of the most significant social phenomena in multicultural societies, particularly in contexts where diverse ethnic groups coexist within shared political and economic structures. Contemporary theories of ethnicity suggest that ethnic identity is not merely a cultural or linguistic characteristic but a multidimensional construct shaped by collective memory, social comparison, perceptions of justice, and access to resources and opportunities (Smith, 2007). In many societies, ethnicity becomes increasingly salient when individuals perceive disparities in economic opportunities, political representation, or social recognition. Under such conditions, ethnic identity may evolve from a cultural marker into a framework through which social grievances and collective interests are interpreted and expressed.

One of the most influential explanations for the emergence and strengthening of ethnicism is the theory of relative deprivation. This perspective argues that individuals and groups evaluate their circumstances not in absolute terms but relative to the conditions of other groups. When members of an ethnic community perceive that they receive fewer resources, opportunities, or privileges than comparable groups, feelings of injustice and deprivation emerge, potentially strengthening ethnic identification and collective consciousness (Navah & Taghavi Nasab, 2007; Taghavi Nasab, 2007). Research conducted in Iran has similarly demonstrated that perceptions of deprivation and inequality are associated with variations in ethnic and national identities and influence the way individuals define their collective belonging (Abdollahi & Hosseinbar, 2006; Mohammadzadeh, 2010).

Recent international scholarship has further emphasized the importance of perceived inequality in shaping intergroup relations. Studies indicate that perceived economic inequality increases intergroup competition, reinforces zero-sum beliefs, and strengthens perceptions of discrimination between social groups (Lisnek et al., 2024). Economic deprivation has also been identified as a major factor contributing to collective grievances and, in some cases, social conflict (Wong, 2021). Similarly, perceptions of political inequality, such as unequal access to decision-making processes, inadequate representation, and



exclusion from positions of influence, have been linked to declining trust in institutions and stronger group-based identities (Granados & López, 2024; Jongen & Scholte, 2022).

The relationship between inequality and ethnicity has received growing attention across various domains. Research has shown that organizational inequalities influence perceptions of ethnic minority representation and inclusion (Moreno-Bella et al., 2022), while educational systems may inadvertently reproduce social inequalities through biased recommendations and differential opportunities (Batruch et al., 2023). Studies conducted in healthcare settings have also revealed that perceptions of racial and ethnic inequities affect trust, behavioral intentions, and evaluations of institutional legitimacy (Fernandez et al., 2023; Sherchan et al., 2024; Sherchan et al., 2022). These findings collectively suggest that perceived inequality extends beyond objective socioeconomic conditions and becomes embedded within individuals' interpretations of their social position and group membership.

Political inequality constitutes another important factor influencing ethnicism. Research demonstrates that perceptions of injustice and exclusion from political structures often strengthen ethnic mobilization and increase support for ethnic-based claims (Chen et al., 2025). Feelings of collective injustice have been found to predict political action more consistently than objective measures of economic inequality (Sakstrup & Bartusevičius, 2024). Likewise, discussions surrounding injustice and discrimination play a critical role in shaping collective identities and mobilization processes among minority groups (Lantos et al., 2025). In contexts characterized by ethnic diversity, perceptions of political exclusion may therefore reinforce ethnic boundaries and intensify identification with ethnic communities.

The literature further indicates that ethnicity interacts with multiple social dimensions, including gender, occupation, education, and social status. Inequality regimes within organizations and institutions often reinforce existing disparities through formal and informal mechanisms (Tafvelin & Keisu, 2023). Similarly, studies have highlighted persistent barriers to ethnic diversity in leadership positions (Teigen et al., 2022) and documented forms of discrimination experienced by minority group members in different social settings (Buhl et al., 2023). Other scholars have demonstrated that ethnic identities become particularly salient in contexts involving competition over resources, land, and economic opportunities (Berman et al., 2023; Kim, 2023). Such evidence underscores the complexity of ethnicism as a phenomenon shaped by both material and symbolic dimensions of social life.

Within the Iranian context, ethnicity has long been associated with questions of national integration, cultural diversity, social justice, and regional development (Fakouhi, 2006; Salehi Amiri, 2006; Varia, 2006). The province of Golestan, and particularly the city of Gorgan, represents a suitable setting for examining these dynamics because of its ethnic diversity and the coexistence of Sistani and Turkmen populations. According to demographic reports, ethnic diversity remains a prominent feature of the region's social structure (Statistical Center of, 2006). Consequently, investigating the relationship between perceptions of political and economic inequalities and ethnicism among these groups can contribute to a better understanding of the social mechanisms underlying ethnic relations in contemporary Iran.

### Methods and Materials

This study employed a quantitative survey design. The statistical population consisted of Sistani and Turkmen men and women aged 18 to 65 years residing in the city of Gorgan. Based on Cochran's sampling formula, a sample of 400 participants was selected, including 200 Sistani respondents and 200 Turkmen respondents. A multistage cluster sampling strategy was



used for the Sistani population, while snowball sampling was employed to facilitate access to members of the Turkmen community due to their relatively dispersed residential patterns.

Data were collected using a researcher-developed questionnaire comprising 82 items. The instrument included measures of ethnicism, perceptions of political inequality, perceptions of economic inequality, and demographic characteristics. Responses were recorded on a five-point Likert scale ranging from strong disagreement to strong agreement. Content validity was established through expert review, and reliability was assessed using Cronbach's alpha coefficients. The overall reliability coefficient for the questionnaire was 0.84, indicating satisfactory internal consistency. Data were analyzed using SPSS software. Descriptive statistics, independent-samples t-tests, one-way analysis of variance, Pearson correlation coefficients, and regression analyses were employed to examine the research hypotheses.

### Findings

The descriptive findings indicated that both ethnic groups reported moderate to relatively high levels of perceived economic inequality and perceived political inequality. The mean score for perceived economic inequality was 3.25 among Sistanis and 3.17 among Turkmen, while the corresponding means for perceived political inequality were 3.25 and 3.26, respectively. Ethnicism scores were also above the midpoint of the scale, with Turkmen respondents demonstrating a slightly higher mean level of ethnicism than Sistani respondents.

The results of Pearson correlation analyses revealed a significant positive relationship between perceived economic inequality and ethnicism in the overall sample ( $r = 0.273$ ,  $p < 0.001$ ). A significant positive association was also observed between perceived political inequality and ethnicism ( $r = 0.239$ ,  $p < 0.001$ ). These findings indicate that respondents who perceived higher levels of inequality tended to exhibit stronger ethnic identification and ethnic-oriented attitudes.

Separate analyses by ethnicity demonstrated that perceived economic inequality was significantly associated with ethnicism among Sistani respondents ( $r = 0.450$ ,  $p < 0.001$ ) but not among Turkmen respondents ( $r = -0.108$ ,  $p = 0.129$ ). In contrast, perceived political inequality was positively related to ethnicism among both Sistanis ( $r = 0.336$ ,  $p < 0.001$ ) and Turkmen ( $r = 0.145$ ,  $p = 0.040$ ). Additional analyses by gender showed significant positive relationships between both forms of perceived inequality and ethnicism among men and women.

Independent-samples t-tests revealed significant differences in ethnicism according to gender among Turkmen respondents and according to employment status among Sistani respondents. No significant differences were observed regarding place of birth or mother tongue. One-way ANOVA results further indicated significant differences in ethnicism according to respondents' occupations in both ethnic groups, spouses' occupations among Sistanis, marital status among Turkmen, and residential type among Turkmen. The normality tests confirmed that the data met the assumptions required for parametric statistical analyses.

### Discussion and Conclusion

The findings of the present study demonstrate that perceptions of political and economic inequalities play a significant role in shaping ethnicism among Sistani and Turkmen populations in Gorgan. The positive associations observed between perceived inequalities and ethnicism suggest that ethnic identity is influenced not only by cultural and historical factors but also by individuals' evaluations of their social and political position within society. When people perceive that their ethnic group receives fewer opportunities, resources, or political influence than other groups, ethnic identity appears to become more salient and meaningful.



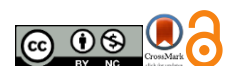
The stronger relationship between perceived economic inequality and ethnicism among Sistanis suggests that economic concerns may constitute a particularly important component of ethnic consciousness within this group. Economic opportunities, employment prospects, and access to resources may serve as critical benchmarks through which group members evaluate their collective status. The absence of a similar relationship among Turkmens indicates that ethnicism may be shaped by a broader range of cultural, historical, or political factors within that community. Nevertheless, the significant relationship between perceived political inequality and ethnicism among both ethnic groups highlights the central importance of political representation, participation, and recognition in the development of ethnic orientations.

The findings further suggest that ethnicism should not necessarily be interpreted as a sign of social fragmentation. Strong ethnic identification can coexist with broader forms of social integration when individuals perceive social arrangements as fair and inclusive. Problems are more likely to emerge when ethnic identity becomes linked to perceptions of persistent injustice, exclusion, and unequal treatment. Under such conditions, ethnicity may function as a framework through which collective grievances are interpreted and articulated.

The observed effects of employment, marital status, and residential patterns indicate that ethnicism is embedded within broader social structures. Economic positions, family relationships, and community networks appear to influence the degree to which individuals identify with their ethnic group. These findings underscore the multidimensional nature of ethnicism and highlight the importance of considering social, economic, and political contexts simultaneously.

## References

- Abdollahi, M., & Hosseinbar, M. O. (2006). Collective Identity and Attitude toward Democracy in Iran. *Iranian Journal of Sociology*, 7(4).
- Batruch, A., Geven, S., Kessenich, E., & Herman, G. v. d. W. (2023). Are Tracking Recommendations Biased? A Review of Teachers' Role in the Creation of Inequalities in Tracking Decisions. *Teaching and Teacher Education*, 123, 103985. <https://doi.org/10.1016/j.tate.2022.103985>
- Berman, N., Couttenier, M., & Girard, V. (2023). Mineral Resources and the Salience of Ethnic Identities. *The Economic Journal*, 133(653), 1705-1737. <https://doi.org/10.1093/ej/uead018>
- Buhl, S., Asbrock, F., Sibley, C. G., & Houkamau, C. (2023). Damned if She Does: The Subordinate Male Target Hypothesis and Discrimination of Social Dominant Female Minority Members. *British Journal of Social Psychology*, 63(3), 1073-1090. <https://doi.org/10.1111/bjso.12716>
- Chen, C., Beardsley, K., & Weidmann, N. B. (2025). The Grass Is Always Greener on the Other Side: Transnational Ethnic Inequality and Ethno-Nationalist Conflict. *Journal of Peace Research*, 62(7), 2355-2370. <https://doi.org/10.1177/00223433251317102>
- Drover, H., Singh, S., Orme, M., & Daynes, E. (2025). Pulmonary Rehabilitation Healthcare Professionals Understanding and Experiences of the Protected Characteristics of Service Users: A Qualitative Analysis. *Chronic Respiratory Disease*, 22. <https://doi.org/10.1177/14799731241307253>
- Fakouhi, N. (2006). National Culture, Ethnic-Communal Culture, and the Industrial Economy Market. *Iranian Journal of Sociology*, 7(1).
- Fernandez, J. R., Sherchan, J. S., Cho, Y. J., Nanaw, J., Joseph, N. T., & Forde, A. T. (2023). College Students' Underlying Perceptions of COVID-19 Threat, Healthcare Discrimination, and Healthcare System Inequities Associated With Self-Rated Health Across Racial/Ethnic Groups in the U.S. *Frontiers in Public Health*, 10. <https://doi.org/10.3389/fpubh.2022.1028344>
- Fleming, E., Smith, P. D., & Inglehart, M. R. (2025). Dental and Allied Dental Students' Cultural Climate-related Experiences and Perceptions: How Does Ethnicity/Race Matter? *Journal of Dental Education*, 89(5), 753-766. <https://doi.org/10.1002/jdd.13738>
- Granados, C., & López, F. S. (2024). Race, Inequality, and Political Trust in Latin America. *Latin American Politics and Society*, 67(1), 56-74. <https://doi.org/10.1017/lap.2024.29>
- Jongen, H., & Scholte, J. A. (2022). Inequality and Legitimacy in Global Governance: An Empirical Study. *European Journal of International Relations*, 28(3), 667-695. <https://doi.org/10.1177/13540661221098218>
- Kim, H. S. (2023). Oil Extraction and the Changing Dynamics of Pastoral Conflicts: A Conjoint Experiment in Turkana, Kenya. *The Journal of Modern African Studies*, 61(1), 23-47. <https://doi.org/10.1017/s0022278x22000398>
- Konur, T., Abou-Ismael, R., Cichocka, A., Sibley, C. G., & Sengupta, N. K. (2025). Does Nationalism Compensate for Perceived Ethnic Disadvantage? The Moderating Effect of SDO. *Group Processes & Intergroup Relations*, 29(1), 135-156. <https://doi.org/10.1177/13684302251358696>
- Kuppens, L. (2024). Group Self-Interest vs. Equity: Explaining Support for Horizontal Redistribution in (Former) Competitive Clientelist States. *Social Inclusion*, 12. <https://doi.org/10.17645/si.7687>



- Langer, A., Leopold, L., & Meuleman, B. (2024). Who Deserves to Be Supported? Analysing Attitudes Towards Horizontal Redistribution in Nigeria. *Social Inclusion, 12*. <https://doi.org/10.17645/si.7603>
- Lantos, N. A., Hadarics, M., Branković, M., Kende, A., Laar, C. v., Tropp, L. R., Žeželj, I., Sebben, S., Ullrich, J., & Häßler, T. (2025). The Role of Intergroup Contact, Injustice Talk and Perceived Injustice in the Demobilisation of LGBTQ+ People and Ethnic Minorities. *Journal of Community & Applied Social Psychology, 35*(3). <https://doi.org/10.1002/casp.70099>
- Lapham, J., & Martinson, M. L. (2022). The Intersection of Welfare Stigma, State Contexts and Health Among Mothers Receiving Public Assistance Benefits. *SSM - Population Health, 18*, 101117. <https://doi.org/10.1016/j.ssmph.2022.101117>
- Lisnek, J. A., Caluori, N., Brown-Iannuzzi, J. L., & Oishi, S. (2024). Investigating How High Perceived Economic Inequality Exacerbates Intergroup Competition, Zero-Sum Beliefs, and Perceived Intergroup Prejudice. *Personality and Social Psychology Bulletin, 51*(10), 1942-1961. <https://doi.org/10.1177/01461672241234787>
- Mathews, C. J., Cerda-Smith, J., Joy, A., Knox, J., Bañales, J., Medina, M., & Mulvey, K. L. (2025). Patterns of Ethnic-racial Identity and Critical Consciousness and Associations With Science, Technology, Engineering, and Math Engagement and Perceived Barriers: A Latent Class Analysis of Youth of Color. *Cultural diversity & ethnic minority psychology, 31*(4), 776-789. <https://doi.org/10.1037/cdp0000716>
- McGuire, L., Marlow, C. S., Hoffman, A. J., Joy, A., Law, F., Hartstone-Rose, A., Rutland, A., Winterbottom, M., Balkwill, F. R., Burns, K., Butler, L., Fields, G., & Mulvey, K. L. (2023). Children's and Adolescents' Evaluations of Wealth-related STEM Inequality. *Social Development, 33*(1). <https://doi.org/10.1111/sode.12710>
- Mijs, J., Huang, A. D. H., & Regan, W. A. (2023). Confronting Racism of Omission. *Du Bois Review Social Science Research on Race, 21*(1), 1-23. <https://doi.org/10.1017/s1742058x23000140>
- Mohammadzadeh, H. (2010). *Factors Related to Types of Ethnicism among Iranian Kurds* Allameh Tabataba'i University, Faculty of Social Sciences].
- Moreno-Bella, E., Kulich, C., Willis, G. B., & Moya, M. (2022). What About Diversity? The Effect of Organizational Economic Inequality on the Perceived Presence of Women and Ethnic Minority Groups. *PLoS One, 17*(8), e0271356. <https://doi.org/10.1371/journal.pone.0271356>
- Navah, A., & Taghavi Nasab, S. M. (2007). The Effect of Relative Deprivation on Ethnic Identity and National Identity: A Case Study of Arabs in Khuzestan Province. *Iranian Journal of Sociology, 8*(2), 142-163.
- Rivera-Rodriguez, A., & Mercado, E. (2024). Racial/Ethnic Collective Autonomy Restriction and Teacher Fairness: Predictors and Moderators of Student's Perceptions of Teacher Support. *Frontiers in Education, 9*. <https://doi.org/10.3389/educ.2024.1242863>
- Sakstrup, C., & Bartusevičius, H. (2024). Group-Based Injustice, but Not Group-Based Economic Inequality, Predicts Political Violence Across 18 African Countries. *Social Psychological and Personality Science, 15*(7), 747-758. <https://doi.org/10.1177/19485506241253359>
- Salehi Amiri, S. R. (2006). *Management of Ethnic Conflicts in Iran*. Strategic Research Center.
- Schuldt, J. P., Pearson, A. R., Lewis, N. A., Jardina, A., & Enns, P. K. (2022). Inequality and Misperceptions of Group Concerns Threaten the Integrity and Societal Impact of Science. *The Annals of the American Academy of Political and Social Science, 700*(1), 195-207. <https://doi.org/10.1177/00027162221086883>
- Sherchan, J. S., Fernandez, J. R., Njoku, A., Brown, T. H., & Forde, A. T. (2024). Perceptions of Racial-Ethnic Inequities in COVID-19 Healthcare and Willingness to Receive the COVID-19 Vaccine. *Epidemiology, 35*(3), 377-388. <https://doi.org/10.1097/ede.0000000000001722>
- Sherchan, J. S., Fernandez, J. R., Qiao, S., Kruglanski, A. W., & Forde, A. T. (2022). Perceived COVID-19 Threat, Perceived Healthcare System inequities, Personal Experiences of Healthcare Discrimination and Their Associations With COVID-19 Preventive Behavioral Intentions Among College Students in the U.S. *BMC public health, 22*(1). <https://doi.org/10.1186/s12889-022-14438-5>
- Smith, A. D. (2007). *Nationalism: Theory, Ideology, History* (M. Ansari, Trans.). Islamic Civilization Publishing.
- Statistical Center of, I. (2006). *Statistical Yearbook of the Country* Statistical Center of Iran.
- Tafvelin, S., & Keisu, B. I. (2023). Development and Validation of the Inequality in Organisations Scale (InE-S): A Measure Based on Acker's Inequality Regimes. *Gender in Management an International Journal, 39*(4), 480-496. <https://doi.org/10.1108/gm-01-2022-0007>
- Taghavi Nasab, M. (2007). *Examining Internal Factors Affecting Ethnic and National Identity among Arabs of Ahvaz County* Shiraz University, Department of Sociology and Planning]. Shiraz.
- Teigen, M., Midtbøen, A. H., & Karlsen, R. (2022). Elites on Equality: Room for Gender Balance and Ethnic Diversity in Leadership Positions? *Acta Sociologica, 66*(2), 119-135. <https://doi.org/10.1177/00016993211070192>
- Theunissen, G. (2025). All Social Comparisons Are Local? Inequality, Coethnicity and Subjective Economic Position. *Swiss Political Science Review. https://doi.org/10.1111/spsr.70022*
- Tuki, D. (2024). Undead Past: What Drives Support for the Secessionist Goal of the Indigenous People of Biafra (IPOB) in Nigeria? *The Journal of Race Ethnicity and Politics, 9*(1), 26-54. <https://doi.org/10.1017/rep.2023.36>
- Varia, M. (2006). *Nationalism and Three Journeys*. Ranj.
- Wegemer, C. M., & Keyserlingk, L. v. (2022). Dual Pandemics of COVID-19 and Systemic Racism: The Roles of Perceptions of Inequities, Civic Values, and Conservatism in Mask-wearing Behavior. *Analyses of Social Issues and Public Policy, 22*(1), 66-88. <https://doi.org/10.1111/asap.12293>
- Wong, P. H. (2021). Economic Deprivation: Approaches, Causes, and Consequences for Violent Conflicts. 187-197. [https://doi.org/10.1007/978-3-319-95960-3\\_70](https://doi.org/10.1007/978-3-319-95960-3_70)

